نوسان
هفته نامه
ضربان اقتصاد شهر
سال پنجم/ شماره هفتاد و هشتم/ سه شنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۸/ قیمت ۲۰۰۰ تومان

چرا طرح های بهشت آباد و تونل سوم کوهرنگ با وجود تامین اعتبار به کُندی پیش می روند؟

دو دهه وقت کُشی

۲

نگاهی به نشانه‌های کوتاهی میراث اصفهان در برابر حفظ و حراست از آثار تاریخی؛

چراغ‌های سبز میراث

گزارش

به‌نظر می‌رسد حال روز آثار تاریخی اصفهان در روزهای اخیر چندان خوشایند نیست. برخی مانند خانه نائل تخریب شده‌اند؛ برخی مانند سی و سه پل مورد تعرض قرار گرفته و برخی نیز مانند حمام شیخ‌بهایی به حالت متروکه و مخروبه رها شده است. به اعتقاد بسیاری از فعالین فرهنگی، کم کاری و کوتاهی اداره کل میراث‌فرهنگی اصفهان در شش سال گذشته موجب دامن زدن به بسیاری از این تخریب‌ها شده است. این گزارش سعی دارد به مصادیقی از اهمال و کوتاهی میراث فرهنگی اصفهان در حفظ و نگهداری تاریخ این شهر بپردازد؛

۵

گزارش

همه مراقب چهارباغ باشیم

شهردار اصفهان در اولین نشست خبری خود با خبرنگاران در سال ۹۸ سوالات خبرنگاران را شنید و از آخرین تحولات شهر با آنها سخن گفت. نوروزی، سرانه هزینه برای هر شهروند اصفهانی را در طول یک سال، دو میلیون و ۱۰۰ هزار تومان اعلام و تاکید کرد سیاست های ما به گونه ای بوده که افراد محروم، از این سرانه بیشتر بهره مند شوند. شهردار اصفهان، به پروژه چهارباغ نیز اشاره کرد و گفت: چهارباغ پروژه نیست؛ بلکه برنامه است؛ دیروز در جلسه هم‌اندیشی با معماران که به مناسبت روز معمار...

۳

دیدگاه

قانون کار یا قانون بیکاری

«قانون کار، عامل بیکاریست» این جمله مهمترین محور صحبت های مسعود گلشیرازی در جلسه بررسی نواقص قانون کار در اتاق بازرگانی اصفهان بود. جلسه‌ای که با حضور تنی چند از اساتید اقتصاد دانشگاه اصفهان و برخی اعضای هیأت نمایندگان اتاق اصفهان و البته با حمایت موسسه خیریه نذر کار برگزار شد و هر یک از سخنرانان، به بررسی ابعادی از این قانون پر حاشیه پرداختند. پیشینه قانون کار ایران به دوران رضا شاه می رسد اما قانون کار فعلی، در سال ۱۳۶۹ به تصویب مجلس رسید و برخی از کارشناسان،...

۳

پایگاه خبری تحلیلی
اقتصاد بازار
www.Eghtesadebazar.ir

بهترین تحلیل های اقتصاد ایران و جهان
چکیده روزنامه های اقتصادی
رصد و تحلیل بازارهای مالی
معرفی فرصت های سرمایه گذاری

یلدا گشت
هواپیمایی ماهان
Mahan Air
تور گردشگری مسکو
هزینه هر نفر ۱۰ میلیون تومان
سه شنبه هر هفته پرواز ماهان
اقامت ۵ شب/ اتاق ۲ تخته/ صبحانه / بازدید از اماکن دیدنی / بیمه مسافرتی
اصفهان - خیابان چهارباغ بالا - خیابان بهار آزادی - بن بست سعید - پلاک ۵۳
۳۶۲۰۸۵۰۳ - ۰۹۱۳۸۹۰۵۵۲۹

ویژه SPECIAL

ابلاغ بسته حمایتی مالیاتی برای تولید

مدیر کل مالیاتی اصفهان گفت: وصول مالیات در سال ۹۷ نسبت به سال ۹۶ افزایش داشته و این افزایش همراه با رضایت فعالان اقتصادی بوده است.بهروز مهدلو در نشست مالیاتی اتاق بازرگانی، از تهیه بسته حمایتی اداره کل مالیاتی برای تولید خبر داد و گفت: در این بسته تلاش شده که تولیدکنندگان کمتر با مسائل و چالش های مالیاتی روبرو شوند. وی تأکید کرد: برخورد با فرار مالیاتی از رویکردهای مهم اداره کل مالیاتی است و طی یک سال اخیر بیش از ۱۰۰ مورد شناسایی شد.

01

فصل جدید روابط تجاری با عراق

با برگزاری نخستین نمایشگاه تخصصی صنعت ساختمان ایران در عراق با عنوان «ایران پروژه» فصل جدیدی از روابط تجاری ایران و عراق با محوریت شرکت نمایشگاه‌های بین‌المللی اصفهان آغاز شد.ایرج مسجدی، سفیر کشورمان در آیین افتتاح این نمایشگاه با بیان اینکه سهم کنونی شرکت‌های ایرانی از بازار عراق سالانه ۱۰ میلیارد دلار است، گفت: بر اساس پیش‌بینی‌ها، میزان مبادلات تجاری میان دو کشور باید به ۲۰ میلیارد دلار برسد که شرکت‌های فعال حاضر در این نمایشگاه، سهم قابل توجهی در تحقق این هدف دارند.

02

رویداد

اصفهان در هفته ای که گذشت؛

از "هفته فرهنگی" تا "حساسیت در بازآفرینی شهری"

گروه شهری

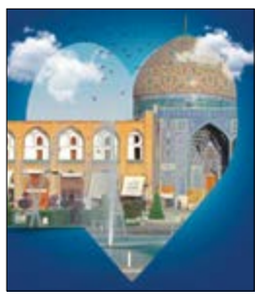

نوسان:«اصفهان در هفته ای که گذشت» میزبان گردشگران داخلی و البته بیشتر خارجی بود که اردیبهشت، بهترین زمان ممکن را برای سفر به دیار نصف جهان انتخاب کرده اند. ماهی که جاذبه های طبیعی اصفهان در آن به اوج زیبایی و چشم نوازی خود می رسد. به ویژه که امسال برخلاف دو سال گذشته آب در بستر زاینده رود جریان دارد و بر جاذبه های شهر صدچندان افزوده است. همچنین برگزاری برنامه های هفته فرهنگی اصفهان از دیگر رویدادهای هفته اخیر است که گرچه بیش از نیمی از این برنامه ها امسال از سوی شهرداری اصفهان به دلیل همدلی با هموطنان سیل زده به تعلیق درآمد؛ اما همچنان برنامه های مختلفی از سوی مراکز فرهنگی، تفریحی و هنری به اجرا درآمد. از مهمترین این برنامه ها می توان به رونمایی از کتاب وقف نامه مجموعه تاریخی علیقلی آقا متعلق به دوره صفوی اشاره کرد.

پروژه‌های چهارباغ را متوقف کنید!

خیابان سابق و گذر فرهنگی امروز چهارباغ سالهاست با حواشی مختلفش موضوع داغ رسانه ها و موجب نگرانی میراث دوستان و شهروندان اصفهان بوده است. اخیرا نیز شهروندانی که دغدغه شان را آینده این مهم ترین نقطه شهر با تاریخ و پیشینه ای غنی و هویت ساز می دانند، به معاون معماری و شهرسازی شهرداری اصفهان نامه ای نوشته و خواستار توقف پروژه های جاری در چهارباغ عباسی شده اند و تقاضا کرده‌اند که ساختاری شفاف و مطمئن برای تصمیم گیری درباره هرگونه مداخله در این میراث ملی ایرانیان تعیین شود. امضاکنندگانِ این نامه حجم مداخلات شهری در محور چهارباغ عباسی را قابل‌توجه دانسته‌اند و با تاکید بر اینکه تاثیرات مداخلات پیچیده است، خواستار آن شده‌اند که ادامه مداخله، از جمله اجرای طرح محدوده میانی متوقف شود و هرگونه تصمیم‌گیری درباره طرح های کالبدی مخصوصا مداخلات گسترده و ماندگار متوقف گردد. در آخر این نامه تاکید شده که این موارد خواست گروهی از «مردم عادی علاقه‌مند و حساس به شهر» است که به‌طور خودجوش با پایش فضای چهارباغ عباسی می پردازند. نویسندگان با اشاره به شعار «مشارکت مردمی در بازآفرینی و توسعه شهری» که توسط مدیریت شهر داده شده، اظهار امیدواری کردند که در چنین بزنگاهی از تاریخِ معاصر اصفهان و در چنین فضای شهری، اقدامات بسیار سنجیده‌تر و صحیح تریِ انجام شود. آنها معتقدند پروژه بدنه‌سازی شرق چهارباغ عباسی شکست خورده و اشتباه بوده و بنابراین نباید اتفاقات دیگری مانند این انجام شود.

هواداران حاشیه ساز!

دیدار جنجالی سپاهان و پرسپولیس از دیگر رویدادهای مهم و چالش برانگیز اصفهان در هفته اخیر بود. این دیدار پرحاشیه که حواشی زیادی را قبل، حین و بعد از بازی به همراه داشت ، روز جمعه ششم اردیبهشت ماه از ساعت ۲۰:۱۵ در ورزشگاه آزادی انجام شد و در پایان با نتیجه تساوی بدون گل به پایان رسید. اما حواشی این دیدار از سوی هواداران این دو تیم پرطرفدار چنان بود که معاون وزیر ورزش و جوانان خبر داد که از فدراسیون فوتبال خواسته هر چه سریع‌تر به اتفاقات سپاهان و پرسپولیس ورود کند تا پس از بررسی موضوع با خاطیان برخورد شود. از جمله حواشی این دیدار می توان به انتشار خبر فوت یک جوان اشاره کرد که در نهایت با سخنان رئیس اورژانس تهران درباره اینکه این جوان ۳۳ ساله به دلیل سوءمصرف مواد مخدر دچار ایست قلبی-تنفسی شده و مرگ او هیچ ارتباطی به درگیری‌ها بین طرفداران دو تیم پرسپولیس و سپاهان ندارد، به پایان رسید.

تخریب غیرمجازها در ساحل زاینده‌رود

از وقتی فرهنگ وارداتی ویلاسازی وارد کشور ما شد، همچون بسیاری دیگر از وارداتی های مشکل ساز، باعث شد تا مسئله ای به نام حریم رود، رودخانه و دریاچه ازسوی بسیاری از مردم نادیده گرفته شده و روز به روز شاهد ساخت و ساز در نقاط ساحلی باشیم. رودخانه زاینده رود هم که به دلیل موقعیت ویژه اش مناظر زیبایی را در نقاط مختلف ایجاد کرده، این وسوسه را در سر بسیاری بیشتر کرده است. در این رابطه به تارگی مدیر دفتر مهندسی رودخانه‌ها و سواحل شرکت آب منطقه‌ای اصفهان خبر داده که در محدوده چم آسمان باغ‌بهادران تخریب حدود ۲۹ محوطه ویلایی در دستور کار قرار گرفته است. او تخریب ویلاهای غیرمجاز را به سیل و رویدادهای اخیر کشور مرتبط ندانست و گفت: شرکت آب منطقه‌ای طی چند سال گذشته این موضوع و پیگیری تخلفات را در دستور کار خود قرار داده است. او با بیان اینکه به دنبال تعطیلات پایان سال، کار تخریب ویلاهای غیرمجاز تا بعد از نوروز ۹۸ متوقف شد، اظهار کرد: اکنون در مرحله دوم در محدوده چم آسمان باغ‌بهادران تخریب حدود ۲۹ محوطه ویلایی در دستور کار قرار گرفته است.

سفر وزیر جهاد کشاورزی به کاشان

وزیر جهاد کشاورزی با دعوت نماینده مردم کاشان و آران و بیدگل در مجلس پنجم اردیبهشت ماه به کاشان سفر کرد. بازدید از شهرک ماهیان زینتی منطقه راوند کاشان نخستین برنامه محمود حجتی، وزیر جهاد کشاورزی در سفر به کاشان بود که در جریان این بازدید وزیر و همراهان او در روند میزان پیشرفت و موانع این پروژه قرار گرفتند. دیدار با کشاورزان منطقه کاشان و شهرک صنعتی پرورش خاویار آران از برنامه های سفر آقای وزیر بود. او در سخنان خود در این بازدیدها با اشاره به ارائه ارزان‌ترین تسهیلات به کشت گیاهان دارویی گفت: دولت در تخصیص نهاده‌های دامی مانند سویا و ذرت مشکلی ندارد. حجتی تاکید کرد کاشان می تواند در حوزه گیاهان دارویی سرآمد باشد، بنابراین سعی کردیم تا ارزان‌ترین تسهیلات به این حوزه تخصیص پیدا کند چراکه جز طرح‌های اقتصاد مقاومتی است.

برگزاری همایش بین‌المللی مطالعات صفوی

برگزاری همایش بین‌المللی مطالعات صفوی با رویکرد روابط، سیاست‌ها و مناسبات خارجی در عصر صفوی از منظر فرهنگی از دیگر رویدادهای هفته اخیر بود که با همکاری بخش ایران شناسی آکادمی علوم اتریش، گروه تاریخ دانشگاه اصفهان و قطب علمی صفویه شناسی در دانشگاه اصفهان برگزار شد و میزبان مقالاتی از دانشگاه‌های امریکا، اسپانیا، آلمان، اتریش و ترکیه بود.
محورهای این همایش شامل سه بخش روابط فرهنگی، روابط سیاسی ایران و اروپا و روابط اقتصادی و مالی در عصر صفوی بود که بخش روابط فرهنگی شامل هنر، مذهب، دین، علم، ادبیات، سفرنامه‌ها و منابع آموزش، خاورشناسان، میسیونرهای مذهبی، بخش سیاسی تبادل سفرا، قراردادها، تفاهم نامه، مناسبات دیپلماسی، مبادله اسناد و بخش اقتصادی شامل صنعت، تجارت، کشاورزی و . . .بود.

چرا طرح های بهشت آباد و تونل سوم کوهرنگ با وجود تامین اعتبار به کُندی پیش می روند؟

دو دهه وقت کُشی

حسن کامران می گوید، اگر روند اجرای فعالیت پیمانکار، همین گونه باشد، این طرح تمام نخواهد شد

گروه شهری
گزارش

ریحانه سجادی/روزنامه نگار

اگرچه بارش های امسال، حیاتی دوباره در کالبد بی جان زاینده رود دمید، اما کارشناسان بر این عقیده اند که احیای پیکر نیمه جان این رودخانه در گرو اجرای هر چه سریع تر طرح های بهشت آباد و تونل سوم کوهرنگ است؛ آب راهی که می تواند برای اصفهان آورد آب داشته باشد. اما چرا پروژه ای که بیش از دو دهه از برنامه ریزی و شروع آن گذشته است، همچنان در گیر و دار بوروکراسی اداری، نوسان قیمت ها و البته ناتوانی پیمانکار گرفتار مانده است؛

عملیات اجرایی تونل سوم کوهرنگ در سال ۱۳۷۷ و با هدف تامین و انتقال آب به میزان حدود ۲۵۵ میلیون مترمکعب در سال، برای رفع بخشی از کمبود آب منطقه مرکزی ایران آغاز شد.
اجرای این تونل به طول ۲۳ کیلومتر و با تکنولوژی قدیمی مربوط به بیش از ۲۰ سال پیش آغاز شد.
بنابر تاکید مسئولان آب منطقه ای، یکی از پیچیده ترین مباحث ژئوتکنیکی، در حفاری و ساخت این تونل وجود داشته و از گسل بزرگی نیز گذر کرده است؛ با تمام این احوال به درازا کشیدن بیش از دو دهه در روند انجام این طرح جای تعجب بسیاری دارد؛ این در حالی است که تونل های بسیاری در کشورمان، طی مدت یک سال به اتمام رسیده اند.

وعده اتمام پایان دولت دوازدهم

برخی معتقدند، این طرح طی دو دهه گذشته با کمبود شدید اعتبارات و تفکرات متفاوت مسئولان و مدیران وزارت نیرو به کُندی پیش رفت.
از سوی دیگر همزمان با اجرای تونل سوم، قرار بود سد آن نیز اجرا شود که متاسفانه به دلایلی این اتفاق نیفتاد و در نهایت عملیات ساخت سد تونل سوم کوهرنگ با ۱۳۰ متر ارتفاع از کف و طول تاج ۲۵۰ متر به عنوان یکی از سدهای بتنی دو قوسی با ظرفیت حدود ۳۸۵ میلیون مترمکعب از سال ۱۳۹۰ آغاز شد.
البته پیش تر، شرکت آب منطقه ای اصفهان اعلام کرده بود که این تونل بعد از ساخت، قابلیت آبگیری دارد؛ اما به دلیل آماده نبودن سد این طرح، تنها در حد یک ایستگاه پمپاژ آب، معادل ۵۰ تا ۶۰ میلیون مترمکعب، خواهد داشت؛ در حالیکه تخصیص کامل آب تونل سوم کوهرنگ حدود ۱۳۰ میلیون مترمکعب است. طی این سال ها بارها و بارها مدیریت و نمایندگان استان، دلیل کُندی اجرای این سد را نبود اعتبارات و بودجه قطره چکانی آن اعلام کردند؛ با این وجود برخی مسئولان وزارت نیرو وعده اتمام سد و تونل سوم کوهرنگ را تا پایان دولت دوازدهم داده اند.
گفته می شود با وجودی که در ظاهر، پروژه سد تونل سوم کوهرنگ در سال ۸۹ آغاز شد، به دلیل بودجه قطره چکانی، این ارقام تنها صرف تجهیز کارگاه شده و در عمل این طرح تا سال ۹۶ چیزی حدود ۲۵ درصد پیشرفت فیزیکی داشته است.
اگر چه ساخت سد و تونل سوم کوهرنگ در این سال ها با کمبود اعتبارات دست و پنجه نرم کرده، اما این طرح با مسائل دیگری همچون توقف طرح از سوی استان بالادست به دلایلی واهی همچون نداشتن مجوز زیست محیطی و یا بی توجهی پیمانکار روبرو بوده است؛ البته مهرعلیزاده استاندار وقت اصفهان تیر ماه سال ۹۷، این نوید را داد که پروژه متوقف شده تونل سوم کوهرنگ راه افتاده و امید است تا ۲ سال آینده به بهره‌برداری برسد.

نمایندگان خواهان تغییر پیمانکارند!

با وجود این وعده، حسن کامران نماینده مردم اصفهان در مجلس اواخر فروردین امسال در نخستین جلسه شورای اداری استان خطاب به رضایی استاندار اصفهان، خواهان تغییر پیمانکار طرح سد تونل سوم کوهرنگ شد و گفت که متاسفانه پیمانکاری که شستا برای پروژه سد تونل سوم کوهرنگ انتخاب کرده، شرایط خوبی ندارد و خواهان تغییر پیمانکار آن هستیم و اگر روند اجرای فعالیت پیمانکار این پروژه همین گونه باشد، این طرح تمام نخواهد شد.از سوی دیگر فولادگر نماینده دیگر مردم اصفهان در مجلس، اعلام کرد با وجودی که سد و تونل سوم کوهرنگ هیچ مشکل مالی ندارد، با داشتن اعتبارات خوب، اجرای آن با کُندی پیش می رود! متاسفانه کُندی کار به پیمانکار و مشاور تونل سوم ارتباط دارد.
عباس رضایی، استاندار اصفهان نیز با تایید اینکه پروژه سد تونل سوم کوهرنگ، هیچ مشکل مالی ندارد، تصریح کرد: متاسفانه پیمانکار این طرح چابکی مورد انتظار را ندارد و انتظارات را برآورده نکرده است؛ اما از آنجایی که پیمانکار با فهرست نمای سال ۸۸ کار می کند، دیدگاه های کارشناسی و فنی خاص خود را دارد. رضایی تاکید کرد، تغییر پیمانکار به مصلحت نیست، اما برای حل این مسئله چندین جلسه با شستا و وزیر کار داشته ایم.

روند کُند پروژه همچنان ادامه دارد!

اما باید دید، در شرایطی که بودجه طرح فراهم است، چرا پیمانکار، روژه را به کُندی پیش می برد؟
به گفته رئیس مجمع نمایندگان استان اصفهان، در بودجه سال ۹۶، رقمی از سرجمع بودجه اصفهان اضافه آمد که از ۲۰ نماینده استان، ۱۲ نماینده، کل این رقم را که حدود ۷۰ میلیارد تومان بود، برای ساخت سد تونل سوم کوهرنگ در نظر گرفتند.
از سوی دیگر برای خود طرح نیز در همان سال، اعتباری معادل ۷۴ میلیارد تومان در نظر گرفته شده بود، اما با وجود این اعتبارات، پیمانکار با جدیت کار را مدیریت نکرد و این بودجه در کار هزینه نشد.
موسوی لارگانی می گوید: اوایل سال ۹۷ تصمیم بر آن شد تا پیمانکار طرح سد تونل سوم کوهرنگ خلع ید شود و کار ساخت سد، به قرارگاه خاتم الانبیا واگذار شود، اما در بررسی ها مشخص شد در صورت تغییر پیمانکار و با توجه به روند اداری شکایت و دادگاهی شدن آن، تا زمان تعیین تکلیف، احتمال توقف پروژه و در نهایت طولانی تر شدن روند اجرای آن وجود دارد.
به گفته او، برای حل این مشکل در جلساتی با پیمانکار، در قرارداد و تعهدی منعقد شده با آب منطقه ای و استاندار، پیمانکار سد تونل سوم کوهرنگ متعهد شد تا پایان سال ۹۸ پروژه ساخت سد را به اتمام برساند، اما با وجود این وعده، پیمانکار همچنان از این بودجه استفاده نکرده است.
او البته تاکید می کند که جدای از مباحث مالی، در ساخت سد تونل سوم کوهرنگ هنوز آزادسازی یک روستا که اراضی کشاورزی آن زیر آب می رود، انجام نشده است.
گفته می شود که شرکت سابیر - وابسته به شستا- به عنوان پیمانکار سد تونل سوم کوهرنگ، طی سال ۸۸، در مزایده ای احداث این پروژه را در دست گرفته است.
هرچند در این سال ها هزینه طرح افزایش داشته و احتمال می رود پیمانکار نیازمند بودجه و هزینه بیشتر است.
این در حالی است که این پروژه بنا بر اعلام استاندار اصفهان، براساس فهرست های مالی سال ۸۸ دنبال می شود.
موسوی لارگانی می گوید: در جلساتی با وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی و مدیرعامل شستا این موضوعات مطرح و بررسی شده است و پیمانکار وعده پایان سال ۹۸ را داده؛ اما با توجه به روند اجرای کُند این طرح، به نظر نمی رسد در سال جاری نیز سد تونل به سرانجام برسد.
به نظر می رسد ارزش اجرای پروژه سد تونل سوم کوهرنگ طی یک دهه گذشته چند برابر بیشتر شده و شاید به این دلیل، پیمانکار انگیزه ای برای ادامه کار با ارقام اواخر دهه ۸۰ را ندارد.
با این وجود همزمان با این پروژه، در استان بالادست طرح بدون مجوز بن-بروجن در دست اجرا است.
به گفته برخی کارشناسان شاید برخی مقاومت های محلی و کارشکنی ها در این سال ها مانع اجرای پروژه سد شده است و به نظر می رسد مدیریت و نمایندگان استان باید با پیگیری بیشتر نسبت به اجرای هر چه سریع تر تونل سوم کوهرنگ اصرار کنند و مانع بارگذاریهای جدید بر زاینده رود شوند.

چکیده

*** طی این سال ها بارها و بارها مدیریت و نمایندگان استان، دلیل کُندی اجرای سد و تونل سوم کوهرنگ را نبود اعتبارات و بودجه قطره چکانی آن اعلام کردند**
*** گفته می شود، به دلیل بودجه قطره چکانی، اعتبار اختصاص یافته، تنها صرف تجهیز کارگاه شده و در عمل این طرح تا سال ۹۶ چیزی حدود ۲۵ درصد پیشرفت فیزیکی داشته است.**
*** موسوی لارگانی می گوید: اوایل سال ۹۷ تصمیم بر آن شد تا پیمانکار طرح سد تونل سوم کوهرنگ خلع ید شود و کار ساخت سد، به قرارگاه خاتم الانبیا واگذار شود، اما در بررسی ها مشخص شد در صورت تغییر پیمانکار و با توجه به روند اداری شکایت و دادگاهی شدن آن، تا زمان تعیین تکلیف، احتمال توقف پروژه و در نهایت طولانی تر شدن روند اجرای آن وجود دارد.**

دیدگاه

قانون کار یا قانون بیکاری؟

مصطفی مصری پور/روزنامه نگار

«قانون کار، عامل بیکاریست» این جمله مهمترین محور صحبت های مسعود گلشیرازی در جلسه بررسی نواقص قانون کار در اتاق بازرگانی اصفهان بود. جلسه‌ای که با حضور تنی چند از اساتید اقتصاد دانشگاه اصفهان و برخی اعضای هیأت نمایندگان اتاق اصفهان و البته با حمایت موسسه خیریه نذر کار برگزار شد و هر یک از سخنرانان، به بررسی ابعادی از این قانون پرحاشیه پرداختند.
پیشینه قانون کار ایران به دوران رضا شاه می رسد اما قانون کار فعلی، در سال ۱۳۶۹ به تصویب مجلس رسید و برخی از کارشناسان، این قانون یکی از پراشتباه ترین قوانین حاکم بر اقتصاد کشور است. قانونی که بنا بر گزارش سازمان جهانی کار، ۲۳ چالش در آن وجود دارد که در محیطی مبهم، منافع کارگر و کارفرما را با خطرات جدی روبرو کرده است.
از یک سو، عدم توجه به نابرابری های جنسیتی، عدم تفکیک مشاغل دائم و غیردائم، ابهام در مالکیت کارگران در سهام بنگاه ها، نظام یکسان حقوق و دستمزد، موضوع کارورزی و آموزش های حین کار، سه جانبه گرایی به عنوان بخشی از ایرادهای سازمان جهانی کار مطرح شده و از دیگری کارشناسان اقتصاد اسلامی معتقدند ۷۴ مورد خلاف شرع در این قانون کشف شده اما همچنان برای اصلاح قانون مذکور اراده محکمی وجود ندارد و مصلحت های سیاسی، جای حساسیت های اقتصادی را گرفته است.
اما فارغ از همه ایرادات، قانون حداقل دستمزد، مساله ای است که در طی سال های اخیر مورد انتقاد بسیاری از کارشناسان اقتصادی واقع شده است. منتقدان قانون کار معتقدند که تعیین حداقل دستمزد در واقع ساز و کار بازار کار در کلیه مناطق کشور و خصوصا مناطق محروم را بر هم زده و سدی بزرگ در برابر اشتغالزایی فعالیت های اقتصادی است.
از دید این افراد، تعیین نظام یکسان دستمزدی برای همه مشاغل و همه استان ها باعث شده تا تقاضای نیروی کار در مناطق محروم به شدت افت کند و سرمایه گذاران ترجیح دهند در مناطقی که اعطای چنین حقوقی هیچ تناسبی با عرضه نیروی کار و سطح عمومی درآمدها ندارد، سرمایه گذاری نکنند.
از دیگر سو، بار مالی استخدام یک نیروی کار و تعهدات بیمه ای و مالیاتی آن باعث شده تا بنگاه های نوپا و اصطلاحا استارتاپی، استخدام نیروی کار برای توسعه فعالیت های خود را حتی المقدور به تعویق انداخته و ریسک تبعات آن را به جان نخرند و همین امر موجب پشت در ماندن نیروی کاری است که در بسیاری از موارد حاضر به کسب تجربه با نرخ های پایین تر از حداقل حقوق است.
پرواضح است که تعیین حداقل دستمزد برای همه مشاغل و در همه مناطق، نقض آشکار توجه به مزیت های اقتصادی هر منطقه و بی توجهی کامل به موضوع مهم بهره وری است. نتیجه اصرار به اجرای چنین قانون پرتناقضی، تشدید معضلات بیکاری، افزایش ریسک سرمایه گذاری و به وجود آمدن بازار سیاه کار است.

۱۷ هزار چاه غیرمجاز در مسیر زاینده رود

رییس شورای اسلامی شهرستان اصفهان با اشاره به وجود ۴۳ هزار حلقه چاه در مسیر زاینده رود گفت: ۱۷ هزار حلقه چاه از این تعداد غیر مجاز است و متاسفانه وزارت نیرو از حق آبه محیط زیست و کشاورزان سوء استفاده می کند. پور محمد شریعتی نیا در اجلاس روسای شوراهای اسلامی استان اصفهان با بیان اینکه از زمان تصویب قانون شوراها تا اجرای این قانون ۲۰ سال به طول انجامید، افزود: متاسفانه روز به روز از اختیارات شوراها کاشته می شود.

03

۸۱۳ پروژه در اصفهان اجرا می‌شود

نایب رییس شورای اسلامی شهر اصفهان گفت: امسال بر اساس بودجه حدود ۸۱۳ پروژه بزرگ و کوچک در شهر اصفهان اجرا می شود. علیرضا نصر اصفهانی با اشاره به بودجه سال جاری شهرداری اصفهان اظهار کرد: بودجه شهر اصفهان به مبلغ چهار هزار و ۱۰۰ میلیارد تومان در بهمن ماه سال گذشته به تصویب شورای اسلامی شهر رسید. وی افزود: سال گذشته علی رغم تنگناهای اقتصادی ۸۸ درصد از بودجه سال ۹۷ محقق شد که در بین کلان شهرهای کشور شرایط مطلوبی برای شهر اصفهان رقم خورد.

04

ویژه SPECIAL

شهردار اصفهان در نشست خبری با خبرنگاران مطرح کرد:

همه باید مراقب چهارباغ باشیم

نوروزی: هر عملیاتی در محور چهارباغ با مجوز میراث فرهنگی انجام می شود

گروه شهری گزارش

شهردار اصفهان در اولین نشست خبری خود با خبرنگاران در سال ۹۸ سوالات خبرنگاران را شنید و از آخرین تحولات شهر با آنها سخن گفت. نوروزی، سرانه هزینه برای هر شهروند اصفهانی را در طول یک سال، دو میلیون و ۱۰۰ هزار تومان اعلام و تاکید کرد سیاست های ما به گونه ای بوده که افراد محروم، از این سرانه بیشتر بهره مند شوند. شهردار اصفهان، به پروژه چهارباغ نیز اشاره کرد و گفت: چهارباغ پروژه نیست؛ بلکه برنامه است؛ دیروز در جلسه هم اندیشی با معماران که به مناسبت روز معمار برگزار شد، اعلام کردیم برای مراقبت از چهارباغ به نگاه و کمک تخصصی همه نیاز داریم؛ یعنی همه باید مراقب چهارباغ باشیم.

قدرت اله نوروزی در اولین نشست خبری سال ۹۸، اظهار کرد: شهرداری همانطور که خدمات ارائه می دهد زیرساختی هم برای تسهیل این امور فراهم می کند. ما در همین راستا سینما ساحل را ۹ سالنه کردیم و برنامه ریزی برای ایجاد دو سالن سینما در مناطق مختلف شهری اصفهان را تدوین کردیم که یکی از سالن ها در خوراسگان به بهره برداری رسید و یک سالن در رهنان نیز در آینده در مدار بهره برداری قرار می گیرد. شهردار اصفهان افزود: امیدواریم در سال های آینده در هر منطقه این شهر یک سینما ایجاد کنیم چراکه نیاز امروز جامعه ماست و هیچ کس نباید در این مسیر سنگ اندازی کند.

۵۲۰ هزار متر مربع چمن مقاوم

وی در مورد توسعه فضای سبز شهر اصفهان نیز گفت: ما در اصفهان ۱۲ هزار هکتار فضای سبز داشتیم که البته بخش زیادی از آن شامل باغات بود و در اثر تصمیمات در گذشته به مجتمع مسکونی، خیابان های عریض و طولانی تبدیل شده است و امروز اصفهان ۵ هزار هکتار فضای سبز دارد که سه هزار و ۷۰۰ هکتار در اختیار شهرداری است. در این شرایط سخت کم آبی اگر خیلی تلاش کنیم باید بتوانیم این وسعت را حفظ کنیم.

نوروزی با بیان اینکه فقط سال گذشته ۲۱۷ هزار مترمربع چمن مقاوم را جایگزین چمن با نیاز آبی بالا کردیم و در سال ۹۸ برای توسعه فضای سبز مقاوم رقم خوبی در بودجه لحاظ شده است، اظهار کرد: برای سال جاری جایگزینی ۵۲۰ هزار مترمربع فضای سبز را با چمن مقاوم هدف گذاری کردیم و برای سال ۹۹ ایجاد ۹۳۶ هزار مترمربع چمن مقاوم را در برنامه داریم. در مجموع سیاست ما فضای سبز پایدار و مقاوم به خشکسالی است.

نوروزی افزود: بیش از ۸۸,۴ درصد بودجه سال ۹۷ شهرداری اصفهان تحقق یافت و این اتفاق مهم در شرایطی که بسیاری از شهرها با مشکل بزرگ عدم تحقق بودجه مواجه بودند، رخ داد. وقتی ما آمدیم پروژه سالن اجلاس سران تعطیل بود اما امروز این طرح با ۲۳ پیمانکار، ۳۰ قرارداد و ۳۰۰ مهندس و کارگر فعال است. در دوره جدید مدیریت شهری پل شهید عباسعلی علی بالایی به بهره برداری رسید و پروژه شهید روح الامین که هر دو در مجاورت سالن اجلاس سران قرار دارند، آغاز به کار کرد.

پروژه چهارباغ عباسی با مجوز میراث فرهنگی

وی در مورد پروژه چهارباغ عباسی نیز اظهار کرد: در مورد این طرح هم وقتی ما بر سر کار آمدیم ۳۰۰ متر از خیابان ساخته شده بود و هر لاین با طول هزار و ۱۰۰ متر باقی مانده بود که اگر من می خواستم این طرح را از اول بسازم این بخش را تغییر می دادم. با این حال جلوی گودبرداری غیراصولی را در این پروژه گرفتیم و محور غربی را اصلاح کردیم.

شهردار اصفهان افزود: هر عملیاتی در محور چهارباغ با مجوز میراث فرهنگی انجام می شود. در مورد روند کار هم مرتبا با معماران در ارتباط هستیم و اگر حرفشان دقیق و کارشناسی باشد، در تصمیم گیری لحاظ می کنیم. گفته ایم چهارباغ پروژه نیست بلکه برنامه است؛ دیروز در جلسه هم اندیشی با معماران که به مناسبت روز معمار برگزار شد، اعلام کردیم برای مراقبت از چهارباغ به نگاه و کمک تخصصی همه نیاز داریم و همه باید مراقب چهارباغ باشیم.

توجه به دیپلماسی شهری

نوروزی افزود: همچنین در حوزه ارتباطات دیپلماتیک شهری با رئیس جمهور، چهار معاون رئیس جمهور، ۱۶ وزیر، بیش از ۲۵ معاون وزیر و چندین رئیس سازمان مهم ملی در رابطه با مسائل اصفهان گفتگو داشتم. برای ارتباط با کشورهای متعدد بارها به مجمع بین المللی دعوت شده ایم و اینها فرصت هایی است که باید از آنها استفاده کنیم. وی در مورد توجه به دیپلماسی شهری از سوی شهرداری هم گفت: تعریف برنامه های جایگزین در هفته فرهنگی اصفهان برای همدلی و همدردی با استان هایی مانند خوزستان و لرستان که ما بر سر زاینده رود با آنها نیاز به تعامل داریم در راستای توسعه دیپلماسی شهری بوده است.

سرانه دو میلیون و ۱۰۰ هزار تومانی در بودجه شهرداری

نوروزی افزود: برای هر شهروند اصفهانی در یکسال دو میلیون و ۱۰۰ هزار تومان هزینه می شود. این هزینه باید به همه اختصاص یابد تا شهروندی که در منطقه ۶ و شهروندی که در منطقه کم تر برخوردار دارک زندگی می کند، بتواند از این سرانه بهره مند شود. سیاست های ما به گونه ای بوده که افرادی که محروم تر بوده اند از این سرانه بیشتر بهره مند شوند چون بودجه را به مناطق محروم برده ایم و به طور مثال در حال ساخت ترمینال هایی در خیابان آیت اله غفاری و صمدیه هستیم.

منتقدان گذر آقانجفی در خواب بودند

وی در مورد ساخت گذر آقا نورالله نجفی هم ادامه داد: ما در مرحله تصمیم گیری در مورد گذر آقا نوراله نجفی نیستیم و تصمیمات آن از سال ۸۵ گرفته و بخش هایی هم اجرا شده بود. وقتی ما سر کار آمدیم این طرح متوقف شده بود و مردم شاکی بودند که چرا یک طرح نیمه کاره رها شده؛ بنابراین ما آمدیم تا بقیه کار را ادامه دهیم که در همین زمان فریادها بلند شد؛ غافل از اینکه این افراد تا پیش از این در خواب بودند.

شهردار اصفهان افزود: طرح خیابان آقانوراله نجفی در کمیسیون ماده ۵ مصوب شده بود و اکنون طرح را به شورای عالی شهرسازی و معماری ارسال کردیم تا نظر آنها را جویا شویم. در نهایت به نمایندگی از مردم اجازه نمی دهیم میراث بزرگ تاریخ بشری مانند میدان نقش جهان آسیبی ببیند، ما آمده ایم تا این کارها صورت نگیرد. در دوره مدیریت ما به یک خانه تاریخی آسیبی وارد نشده و در آینده هم نمی شود.

وی در مورد پروژه مترو اصفهان هم گفت: تلاش می کنیم که در حوزه حمل و نقل اتفاقات خوبی رقم بزنیم و خوشبختانه میلیاردها تومان هزینه برای ساخت خط دو مترو صورت گرفته و با نگاه آینده نگری در این زمینه سرمایه گذاری شده است. از سوی دیگر قرار است عملیات عمرانی حفاری تونل خط دو مترو از دو جبهه صورت گیرد بنابراین، عملیات عمرانی تونل از غرب اصفهان نیز به زودی انجام خواهد شد.

نوروزی افزود: عملیات عمرانی ۵ ایستگاه مترو دارک، زینبیه، عاشق اصفهانی، عمان سامانی و لاله، در حال اجراست و با جدیدترین روش ها برای ساخت ایستگاه ها اقدام می کنیم. مترو به نفع همه است و سرمایه گذاری در این بخش، اهمیت قابل توجهی دارد. بدون شک آیندگان درباره این کار بزرگ و سرمایه گذاری صورت گرفته در حوزه حمل و نقل ریلی شهر، قضاوت خواهند کرد. متروی اصفهان نسبت به حوادث مقاوم است و همه نکات مدنظر پدافند غیر عامل در آن لحاظ شده است.

پیگیری حقوقی در رابطه با عوارض پالایشگاه

شهردار اصفهان گفت: ما هیچکس را از شهرداری اخراج نکردیم و فقط بر اساس قانون منع به کارگیری بازنشستگان با درخواست بازنشستگی ۶۰۰ نفر از نیروها در سال گذشته موافقت کردیم. ضمن اینکه نیروی مازاد نیز به شهرداری اضافه نکردیم و بر اساس برنامه در برابر فشارهای ناروا استقامت کردیم چراکه هر نیروی اضافه بیکار سوهان روح برای شهرداری است. وی افزود: ما پیگیر تخصیص عوارض پالایشگاه به شهر اصفهان نیز هستیم و در این رابطه شخصا در دادگاه حضور یافته و از حقوق شهرداری دفاع کردم که هر موقع نتیجه آن نهایی شد به عنوان یک موفقیت بزرگ آن را اطلاع رسانی خواهیم کرد و این خبر خوش را به شهروندان می دهیم.

رییس کمیسیون عمران، معماری و شهرسازی شورای اسلامی شهر اصفهان:

۶۶۰ گلوگاه در محلات اصفهان وجود دارد

نوسان: رییس کمیسیون عمران، معماری و شهرسازی شورای اسلامی شهر اصفهان گفت: در شهر اصفهان حدود ۶۶۰ گلوگاه در محلات وجود دارد که می تواند به لحاظ کالبدی، اجتماعی و ایمنی، شهر و شهروندان را دچار مخاطره کند، از این رو توجه به بازگشایی این گلوگاه ها در دستور کار قرار گرفته است.

شیرین طغیانی با اشاره به اقدامات صورت گرفته در کمیسیون عمران، معماری و شهرسازی شورای اسلامی شهر اصفهان، تصریح کرد: از مهم ترین موضوعاتی که از ابتدای فعالیت این کمیسیون در شورای پنجم در دستور کار قرار گرفت، تسهیل امور مردم بود. وی با بیان اینکه تسهیل در فرایند صدور پروانه های ساختمانی از سال گذشته در دستور کار قرار گرفت و اقدامات خوبی در این راستا انجام شد، تاکید کرد: هدف تسهیل گری، هم برای مردم و هم برای انبوه سازان و سرمایه گذاران بخش خصوصی بود که نتایج قابل توجهی به همراه داشت.

وی بررسی طراحی ایستگاه های قطار شهری، توجه به بافت های تاریخی و فرسوده، پیگیری ضوابط تشویقی در بافت های فرسوده، در نظر گرفتن سند جامع برای شهر، سند زیباسازی شهر اصفهان و برنامه راهبردی برای طراحی ایستگاه های خط دو قطار شهری اصفهان را از دیگر اقدامات انجام شده طی سال گذشته در کمیسیون عمران، معماری و شهرسازی شورای اسلامی شهر اصفهان عنوان کرد.

طغیانی با بیان اینکه در سال جاری از مهم ترین موضوعات در دستور کار، توجه به پروژه های محرک توسعه در داخل محلات و بازگشایی گلوگاه های محلات شهر است، گفت: در شهر اصفهان حدود ۶۶۰ گلوگاه در داخل محلات وجود دارد که می تواند به لحاظ کالبدی، اجتماعی و ایمنی، شهر و شهروندان را دچار مخاطره کند، از این رو توجه به بازگشایی این گلوگاه ها در دستور کار قرار گرفته است.

گزارش

کاهش ۲۰ درصدی هزینه‌های شهرداری

نوسان: معاون مالی و اقتصادی شهردار اصفهان از دریافت مجوز انتشار ۵۰۰ میلیارد تومان اوراق مشارکت خبر داد و گفت: شهرداری اصفهان در تلاش است از اوراق مشارکت که جزء برنامه ها و قانون دولت است برای اجرای پروژه های عمرانی به خصوص در قطار شهری استفاده کند.

مرتضی طهرانی، اظهار کرد: در سال گذشته شهرداری اصفهان با تحقق ۸۸ درصدی بودجه سالانه خود توانست در بین کلان شهرهای کشور رتبه نخست را از نظر تحقق بودجه به دست آورد و سال خوبی را پشت سر بگذارد. وی افزود: با برنامه ریزی های اندیشیده شده و تدابیر مدیریت شهری اصفهان، خوشبختانه در سال گذشته بدهی های پیمانکاران، طلبکاران و سایر امور پرداخت شد و در حال حاضر شهرداری اصفهان در شرایط نسبتاً خوبی قرار دارد.

معاون مالی و اقتصادی شهردار اصفهان ادامه داد: به هر حال در بخش اقتصاد کشور با مشکلاتی مواجه هستیم که البته این مشکلات حتی در سال گذشته نیز وجود داشت، اما با برنامه ریزی هایی که در بخش اقتصادی شهرداری به کمک اعضای شورای شهر انجام شد، توانستیم بر مشکلات فائق آمده و بودجه را محقق کنیم. وی با بیان اینکه بودجه سال جاری شهرداری اصفهان با ۳۷ درصد افزایش به رقم چهار هزار و ۱۰۰ میلیارد تومان رسیده است، تصریح کرد: برنامه ریزی های لازم انجام شده تا بتوانیم در پایان سال این بودجه را محقق کنیم.

طهرانی تاکید کرد: شهرداری اصفهان بخشی از بودجه های جاری خود را کاهش داده و این یک موفقیت است که می تواند زمینه افزایش درآمد را در سال ۹۸ فراهم کند، البته درآمدهای جدیدی برای شهرداری پیش بینی شده و به تأیید شورای شهر اصفهان رسیده است. وی با اشاره به استفاده از اوراق مشارکت برای اجرای پروژه های بزرگ عمرانی شهر، گفت: شهرداری اصفهان می کوشد تا از اوراق مشارکت که جزء برنامه ها و قانون دولت است، برای اجرای پروژههای عمرانی به خصوص در قطار شهری استفاده کند.

معاون مالی و اقتصادی شهردار اصفهان خاطرنشان کرد: شهرداری اصفهان در سال جاری مجوز انتشار ۵۰۰ میلیارد تومان اوراق مشارکت را دریافت کرده و به زودی این اوراق را منتشر خواهد کرد.

وی با بیان اینکه شهرداری اصفهان در دوره گذشته به هر دلیلی از نظر نیروی انسانی، خدمات موتوری و بسیاری از مسائل دیگر گسترش بی رویه ای پیدا کرده بود، اظهار کرد: در سال ۹۷ شهرداری اصفهان ۶۵۰ نیرو را تعدیل یا بازنشسته کرد و یا از خدمت آنها در بخش های دیگر استفاده کرد.

طهرانی خاطرنشان کرد: شهرداری اصفهان در سال گذشته ۱۴۰ خودرو را از چرخه امور اداری شهرداری خارج و بسیاری از هزینه ها در قالب برگزاری مناقصه ها را کنترل کرد. وی ادامه داد: در حال حاضر ترک تشریفات مناقصه در شهرداری اصفهان به ندرت وجود دارد و امکان حضور تمام افرادی که علاقه و توانایی شرکت در مناقصه های شهرداری را دارند، فراهم شده است.

معاون مالی و اقتصادی شهردار اصفهان از کاهش ۲۰ درصدی هزینه های شهرداری اصفهان در سال گذشته خبر داد و گفت: میزان و چگونگی کاهش هزینه ها در گزارش تفریغ بودجه با عدد و رقم به شهروندان ارائه خواهد شد.

رویداد

در نشست مدیران شهری با انبوه سازان مسکن مطرح شد؛

دیوار بی اعتمادی فرو بریزد

نوسان: شهردار اصفهان به همراه جمعی از مدیران شهری و اعضای شورای اسلامی شهر اصفهان پای صحبت های فعالان بخش مسکن نشست تا علاوه بر شنیدن نظرات و پیشنهادات فعالان این حوزه راهکارهایی برای رونق بخش مسکن در شهر پیدا کنند. قدرت اله نوروزی در نشست مدیران شهری با فعالان صنعت ساختمان و توسعه دهندگان شهر که در قالب چهل و دومین نشست از سلسله نشست های هم اندیشی اصفهان فردا برگزار شد، اظهار کرد: صنعت ساختمان در دنیا ۱۲ هزار و ۷۰۰ میلیارد دلار سالانه گردش مالی دارد که چیزی بیش از نصف گردش مالی اقتصاد کل دنیاست. از این رقم ۴۲ میلیارد دلار تنها در کشور ترکیه گردش مالی وجود دارد.

وی با بیان اینکه درآمد شهرداری اصفهان در سال ۹۶ از صدور پروانه نزدیک به ۶۰۰ میلیارد تومان بوده، تصریح کرد: این رقم در سال ۹۷ به بیش از ۹۰۰ میلیارد رسیده است که رشد ۵۰ درصدی را نشان می دهد. این میزان قبل از ارائه بسته های تشویقی ۳۰ درصدی، حاصل شده بود که با ارائه بسته های تشویقی ساخت و ساز ۶۰۰ میلیارد اضافه شد. در این میان ۳۵ درصد از درآمدهای شهرداری کاهش پیدا کرد؛ اما امید سرمایه گذاران افزایش یافت و رونق در شهر ایجاد شد که نتیجه بهتری برای شهر داشت.

شهردار اصفهان با بیان اینکه اگر دیوار بی اعتمادی فرو بریزد و تعامل ها افزایش پیدا کند، موفقیت های بیشتری حاصل می شود، گفت: شهرداری اصفهان در بسیاری از بخش ها از جمله حوزه مالی در سال گذشته موفق عمل کرد. با این وجود باید کاری کنیم تا هم هویت و فرهنگ اصفهان حفظ شده هم برای ساختن اصفهان از هنر استفاده کنیم.

نوروزی گفت: بسیاری از دغدغه هایی که توسط انبوه سازان مطرح می شود را شهرداری اصفهان به تنهایی نمی تواند حل کند با این وجود مسائل را از طریق شورای عالی استان ها و جلسات کلانشهرها پیگیری کرده و در راستای کاهش موانع گام برمی داریم.

نقش انبوه‌سازان در کاهش پرونده‌های ماده صد

نایب رییس شورای اسلامی شهر اصفهان نیز در این نشست اظهار کرد: اینکه گروه های تاثیر گذار شهر به عناوین مختلف از روند کار مدیریت شهری ابراز رضایت می کنند جای مسرت است و لازم است در این زمینه از دکتر نوروزی شهردار اصفهان و معاونین وی به جهت ایجاد فضای اعتمادسازی تشکر کنیم.

علیرضا نصر با بیان اینکه ما امروز با آفت بی اعتمادی مردم نسبت به شهرداری مواجه هستیم، تصریح کرد: بخشی از این اعتماد سازی توسط فعالان حوزه مسکن انجام می شود تا با افزایش اعتماد و آوردن سرمایه به داخل شهر اصفهان به جای بردن به شهرهای دیگر کشور، علقه های مردم نسبت به شهر را افزایش دهند. انبوه سازان می توانند به عنوان الگو برای سایر شهروندان کاری کنند تا دیگر شاهد این حجم از از پرونده در کمیسیون ماده صد نباشیم. وی اضافه کرد: انبوه سازان در جلساتی که با آنها داشته ایم هیچگاه زیاده خواهی نداشته اند و تنها علاقه دارند برخورد صادقانه همراه با شفافیت برای آنها رقم بخورد ما نیز به این موضوع اعتقاد داریم زیرا هر میزان شفافیت بیشتری در کار باشد اعتمادسازی ها افزایش پیدا می کند.

نایب رییس شورای اسلامی شهر اصفهان با بیان اینکه پروژه های نیمه تمام، مدیریت شهری را زیر سوال می برد، افزود: به طور مثال چرا باید یک ساختمان نیمه کاره در پل مارنان به مردم تحمیل شود، شورای شهر و شهرداری باید کمک کنند تا اگر مانعی در شهر وجود دارد که مزاحم مردم و زیبایی شهر می شود برطرف شود.

بدهی‌های شهرداری به بانک‌ها پرداخت شد

رییس کمیسیون امور اقتصادی، حقوقی و گردشگری شورای اسلامی شهر اصفهان نیز در این نشست اظهار کرد: در شرایطی که از ابتدای بستن بودجه سال ۹۷ برخی به میزان رقم آن ایراد گرفته و آن را برای شهر اصفهان سنگین می دانستند به لطف تلاش مجموعه شهرداری و مدیریت شهری نزدیک به ۹۰ درصد بودجه سال گذشته تحقق پیدا کرد. این امیدواری وجود دارد که بودجه سالجاری نیز که رقم بالاتری از سال گذشته است به خوبی تحقق پیدا کند.

نصیر ملت تصریح کرد: در پایان سال گذشته حدود ۷۰۰ میلیارد تومان اقساط و بدهی های شهرداری به بانک های کشور که از سال های گذشته وجود داشت پرداخت شد و اگر قرار بود این بدهی پرداخت نشود آینده سختی برای شهر اصفهان رقم می خورد.

برای سال ۹۸ به ناچار عمده بودجه شهر اصفهان برای اتمام پروژه های نیمه تمام هزینه می شود تا این بودجه بخشی از این پروژه های نیمه تمام را تکمیل کند.

وی با بیان اینکه شهرداری همه تلاش خود را برای برآورده کردن انتظارات انبوه سازان انجام میدهد، تصریح کرد: باید نقشه راه شهری مانند اصفهان با این پیشینه و تاریخ مشخص باشد. طرح جامع شهر اصفهان که برای نخستین بار با مشارکت همه گروه ها تهیه می شود فرصت خوبی برای ذینفعان فراهم می آورد تا بتوانند نظر و نظارت خود را در این طرح ارائه کنند.

این عضو شورای اسلامی شهر اصفهان ادامه داد: انبوه سازان علاوه بر اینکه برای تهیه طرح جامع کمک می کنند باید به تعریف پروژه های کلان نیز کمک کنند و نظرات و ایده های خود را در این خصوص ارائه دهند. وی اضافه کرد: هم اکنون ویترین مشخصی برای ارائه به سرمایه گذار خارجی وجود ندارد بنابراین لازم است همه انبوه سازان کمک کنند تا این ویترین معرفی شود. بیش از ۸۰ درصد پروژه هایی که در کمیته هایی نظارتی با آن موجه هستیم ناشی از سوء مدیریت در گذشته است. لازم است برای رسیدن شهر به جایگاه واقعی خود هزینه سوء مدیریت بالا برود تا مدیران پاسخگوی عملکرد خود باشند. در این راستا انبوه سازان اولین کسانی هستند که می توانند در مورد خطاهایی رخ داده به مدیریت شهری متذکر شوند تا دیگر بناهایی را در شهر اصفهان شاهد نباشیم که برای جبران خسارت آنها ده ها سال زمان نیاز باشد.

اقتصاددان

حسین راغفر مطرح کرد:

سود برخی نهادها تا ۷۰ هزار میلیارد تومان بود

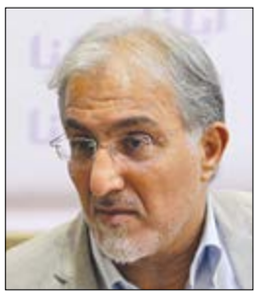

نوسان: یکی از عمده مشکلات اقتصاد آن است که در خدمت سوداگران است؛ نه تولید، و اقتصاد ما یک اقتصاد مالی، دلالی و تجارت معطوف به کالاهای لوکس است و تا زمانی که توجه ویژه به بخش تولید واقعی صورت نگیرد، بازسازی اعتماد عمومی و اعتماد سرمایه‌گذاران بی‌نتیجه خواهد بود.

حسین راغفر با بیان این مطلب به اولویت‌های سیاست‌گذاری اقتصادی در سال ۹۸ اشاره کرد و گفت: به باور بنده اولین اقدام باید آزاد کردن ظرفیت‌های سیاست‌گذاری بخش عمومی از وجود عناصر چپاولگر باشد که دولت و به تعبیری بخشی از حکومت را تا حدودی در استخدام و تسخیر خود درآورده‌اند. اگر این ظرفیت آزادسازی شود، سیاست‌گذاری‌ها نیز به نفع مردم خواهد بود نه در راستای منافع گروه قلیل، بنابراین در صورت عدم تحقق آن هیچ بهبود اقتصادی روی نخواهد داد و حتی اوضاع بدتر نیز خواهد شد. وی ادامه داد: اقدام دیگر سامان‌دهی نظام بانکی است به نحوی که بسیاری از بانک‌ها با وجود هزینه‌بری باید در هم ادغام شوند و تعداد بانک‌های خصوصی به شدت تقلیل و به یک یا دو مورد محدود شوند. همچنین نظام مالیاتی کشور باید بسامان شود چون در خدمت چپاولگران است و ریالی از این گروه مالیات دریافت نمی‌کند. در حالی که بسیاری از نهادهای قدرت و ثروت تنها در سال گذشته ۷۰ هزار میلیارد تومان سود ناخالص داشتند که ۴۰ هزار میلیارد تومان آن ناشی از افزایش قیمت فروش بود بدون آنکه قیمت نهاده‌ها تغییر کند یا بیش از ۳۰۰ هزار میلیارد تومان رانت ارز توزیع شد، آن موقع این سیستم مالیاتی ما کجا بود؟ اگر بخشی از این درآمدها بصورت مالیات اخذ می‌شد، می‌توانستیم بخش قابل توجهی از مشکلات اقتصادی مانند کسری بودجه دولت را تامین کنیم، منتها عزم جدی در نظام تصمیم گیری وجود ندارد.

راغفر با اشاره به میزان معافیت‌های مالیاتی در کشور گفت: آنهایی که مالیات پرداخت نمی‌کنند به حکم قانون است و باید بررسی کرد چه کسانی این قانون را تصویب کرده‌اند. دولت در تابستان سال گذشته قانونی را تصویب کرد مبنی بر اینکه اگر بنگاه‌های بزرگ سود خود را سرمایه‌گذاری کنند از پرداخت مالیات معاف خواهند شد، برهمین اساس ما شاهد ده‌ها مورد بودیم که برای فرار از پرداخت مالیات چگونه صورت‌سازی کردند. کسانی که درگیر مسائل اقتصادی هستند به خوبی می‌دانند که در کشور ما یک واحد تولید براحتی می‌تواند چند برابر صورت‌سازی و هزینه‌تراشی کند و اسم آن را سرمایه‌گذاری بگذارد. بنابراین این گونه اقدامات ریشه در همان نظام تصمیم گیری دارد که در تسخیر است.

استاد اقتصاد دانشگاه الزهرا با انتقاد از واکنش‌های اخیر دولت در موضوع سیل گفت: در حالی که بیش از بیست استان درگیر آسیب ناشی از سیل هستند نظام تصمیم‌گیری ما به دنبال آن است که از این مصیبت بوجود آمده در راستای افزایش قیمت‌ها استفاده کند و راه‌حل‌هایی مانند استفاده از منابع صندوق توسعه ملی یا منابع بانک مرکزی مطرح می‌شود. متأسفانه نشانی‌های غلط می‌دهند و این موجب افزایش تورم خواهد بود و سعی خواهند کرد عامل تورم را سیل و نه تصمیم های اشتباه معرفی کنند. وی متذکر شد: با وجود راه‌حل‌های روشن، نظام تصمیم گیری ما به دنبال استفاده از راه‌حل‌های پرهزینه است، بنده در شروع سال ۹۸ عرض می‌کنم، کودتایی که در سال گذشته در حوزه اقتصاد اتفاق افتاده کماکان در حال جریان و حرکت است و تمام تلاش آن در راستای بهم زدن نظم اجتماعی است.

این استاد اقتصاد در مورد تشکیل بازار متشکل ارزی گفت: مسئله اصلی اقتصاد در شرایط کنونی اعتماد مردم به سیستم بانکی است و متاسفانه این گونه اقدامات کمکی به بازسازی اعتماد عمومی نخواهد کرد. باید توجه داشت که یکی از عمده مشکلات اقتصاد آن است که در خدمت سوداگران است نه تولید، و اقتصاد ما یک اقتصاد مالی، دلالی و تجارت معطوف به کالاهای لوکس است و تا زمانی که توجه ویژه به بخش تولید واقعی صورت نگیرد بازسازی اعتماد عمومی و سرمایه‌گذاران بی‌نتیجه خواهد بود.

استاد اقتصاد دانشگاه اصفهان:

حذف صفرها تنها اثر روانی دارد

نوسان: مهدی طغیانی گفت: حذف صفر از پول ملی اثر اقتصادی خاصی بر وضعیت موجود ندارد، اما مسلما اثرات روانی در پی خواهد شد.

استاد اقتصاد دانشگاه اصفهان، تصریح کرد: مردم امروز با اعداد بزرگ در اقتصاد سروکار دارند که معمولاً با مراجعه به خاطراتشان از اعداد کوچک در سال‌ها قبل تناقض دارد، بنابراین حذف صفر از پول ملی ازنظر روانی دلگرم کننده است. وی درباره عدم اثرگذاری این طرح بر وضعیت اقتصادی کشور، گفت: تعداد صفر پول ملی متغیر کلیدی در اقتصاد نیست. متغیرهای کلیدی اقتصاد اموری همچون میزان نقدینگی، نرخ تورم، درآمدهای دولت و نرخ بیکاری است که هیچ کدام از آنها با حذف صفر تغییر نخواهد کرد و فقط شاخص آن عوض می‌شود.

طغیانی افزود: مثلاً رقم ۲ هزار میلیارد تومان اگر صفرش برداشته شود، تنها عدد آن کوچک می‌شود و تاثیری در اقتصاد ندارد، چون نقدینگی کشور همچنان بالا است و اثری مخرب و تأثیر گذار دارد. وی، درباره اصرار دولت بر اجرای این طرح و تأمین هزینه آن از سوی دولت، گفت: در جریان دلایل دولت برای این کار نیستم، اما به گمانم جنبه روانی طرح اصلی ترین دلیل برای پیگیری دوباره آن باشد.

این استاد اقتصاد افزود: هر چند اجرای این طرح هزینه‌هایی را برای دولت به همراه دارد، اما این هزینه‌ها به دلیل انتقالات و مبادلات الکترونیکی توسط مردم، کمتر از هزینه‌ای است که تصور می کنیم. وی تصریح کرد: امروز اغلب مبادلات مردم به شکل الکترونیکی انجام می‌شود و حجم پول در قالب اسکناس در ایران پایین آمده است که این باعث می‌شود دولت‌ها بتوانند چنین طرح‌هایی را کم‌هزینه‌تر اجرا کنند.

ویژه SPECIAL

دولت نمی‌تواند حرکتی برای تولید انجام دهد!

دکتر زهرا کریمی گفت: واقعیت این است که ما از یک طرف سیاست‌هایی را در جهت رونق تولید و اشتغال اعمال کرده‌ایم و از طرف دیگر سیاست‌هایی اعمال شده، که ریشه اشتغال و تولید را سوزانده است. وی افزود: در شرایط تورم، تولیدکننده نمی‌داند قیمت تمام‌شده کالا چقدر است و با قیمت‌های روزافزون آیا فروش خواهد رفت؟ این استاد دانشگاه افزود: دولت می‌تواند از فکرهای خوب حمایت کند؛ ولی اینکه بتواند حرکتی در جهت رشد کارآفرینی و رونق تولید انجام دهد غیرممکن است.

01

نرخ سود بانکی دامنه‌ای می‌شود

بانک مرکزی قصد دارد به جای تعیین نرخ قطعی سود برای بانک‌ها، دامنه‌ای از نرخ سود را تعیین کند که بانک‌ها موظف‌اند در آن چارچوب عمل کنند. این موضوعی است که همتی، رئیس کل بانک مرکزی سال گذشته نیز از آن به عنوان یکی از مهم‌ترین بخش‌های اصلاح نظام بانکی نام برد. بانک مرکزی این روزها به دنبال این است تا با ساماندهی روش‌های جذب سپرده از سوی بانک‌ها، اضافه برداشت آن‌ها از بانک مرکزی را مدیریت کرده و به نوعی از بدهی بانک‌ها بکاهد.

02

موتورهای محرک سیل نقدینگی در گفتاری از علی فرحبخش؛

توهم نقدینگی

کاهش سهم سپرده‌های میان‌مدت بانکی، می تواند لنگر ضد تورمی را تضعیف کند

گروه اندیشه
دیدگاه

سیل اخیر که بسیاری از مناطق کشور را درنوردیده است، پیام دیگری داشت حاکی از آنکه اگر به علل و عوامل طبیعی توجه درخوری نشود و به باد فراموشی سپرده شوند، این نظام علت و معلولی، ما را فراموش نخواهد کرد و در یک لحظه همه چیز را با خود می‌برد و به صغیر و کبیر رحم نمی‌کند تا بلکه درس عبرتی فراموش نشدنی به ما بدهد که ممکن است ما را فراموش کنید؛ ولی ما هیچ‌گاه شما را فراموش نخواهیم کرد.

سیل نقدینگی بارها چنین درسی را به ما آموخته است که اگرچه می‌توان در مدت کوتاهی با ورود بی‌سابقه کالاهای وارداتی، تثبیت نرخ ارز، افزایش نرخ واقعی سود بانکی و بهبود انتظارات، آثار آن را برای مدت کوتاهی به تعویق انداخت، ولی هنگامی که این غول از چراغ جادو خارج شود، هیچ کس را یارای مقاومت در برابر آن نیست و همچنان که تجربه میانه دهه ۵۰ و ابتدای دهه‌های ۷۰ و ۹۰ نشان می‌دهد، سیل نقدینگی آن‌چنان قیمت‌ها را بالا می‌برد که دولت‌ها سراسیمه به مصداق جمله معروف «الغریق یتشبث بکل حشیش» به هر شاخه خشکیده‌ای چنگ می‌زنند تا خود را از شر این سیل خروشان نجات دهند و در این میان حتی از تنبیه آحاد اقتصادی نیز که خود درماندگان این سیل خانمان برافکن هستند، فروگذاری نمی‌کنند.

آش همان آش است

رفتار دولت‌ها پس از سیل نیز مشابه رفتار آنان پس از بحران‌های اقتصادی است که در مدت کوتاهی کمیته‌های حقیقت‌یاب تشکیل می‌شود و کارشناسان جلسات مختلفی تشکیل می‌دهند و پروژه‌های میلیاردی تعریف می‌شوند؛ ولی پس از مدتی نتایج حاصله به بایگانی راکد سپرده می‌شود و باز آش همان آش است و کاسه همان کاسه.

برای آنکه بتوان این سیکل معیوب را توصیف کرد، مایلم استفاده دولت‌ها از ابزار نقدینگی را به استعمال مواد مخدر یا داروهای توهم‌زا تشبیه کنم. قیاسی که اگرچه ممکن است مع‌الفارق به‌نظر برسد، ولی به دلایلی که تشریح خواهم کرد، کاملا پذیرفتنی است.

۱- هر دو به کاربران خود شور و شعفی وصف ناشدنی در هنگام استفاده می‌دهند، مواد مخدر به فرد لذت نشئگی می‌دهد که تمام مشکلات خود را فراموش شده می‌بیند و به آنها احساس «دم غنیمت است» دست می‌دهد. سیاستمدارانی نیز که می‌توانند به مدد افزایش نقدینگی بسیاری از پروژه‌های کلان را افتتاح کنند، با یارانه‌های عمومی و خاص محبوبیت کسب کنند و وعده‌های غیرممکن انتخاباتی را محقق سازند، با همین احساس «دم غنیمت است» روبه‌رو هستند.

۲- همان‌گونه که استعمال مکرر و طولانی مواد مخدر متابولیسم‌های حیاتی فرد را نابود می‌کند، رشد نقدینگی نیز با تورم افسارگسیخته، سطح دستمزدها، تراز سیستم بانکی، دخل وخرج دولت و... را به ساختار معیوب و در حال احتضاری مبدل می‌سازد که دولت‌ها به سختی راه‌نجاتی برای آن می‌یابند.

۳- سومین و جالب‌ترین شباهت مطابق ضرب‌المثل معروف ما ایرانیان است که «ترک عادت موجب مرض است.» بسیاری از معتادان ترک اعتیاد را آن‌چنان دشوار می‌بینند که گاه خودکشی را بر آن ترجیح می‌دهند و پزشکان در دوران بازپروری دست و پای آنان را به تخت می‌بندند و به گریه‌ها و نعره‌های آنان توجه نمی‌کنند تا بتوانند این دوران سخت را پشت سر بگذارند. پس از ترک نیز بسیاری از معتادان فراق یار را تحمل نمی‌کنند و دوباره به مواد آلوده می‌شوند.

برای دولت‌هایی نیز که سال‌ها به رشد نقدینگی برای تحقق آمال و آرزوهای دست‌نیافتنی خود خو گرفته‌اند، رهایی از این ابزار سیاست‌گذاری بسیار دشوار است و به قول یکی از وزرای اقتصاد در ایران، سیاست‌های انقباضی در نطفه خفه می‌شوند. چنین است که برای رهایی از این سیاست توهم‌زا از یکسو با اصرار کارشناسان و از سوی دیگر با انکار سیاست‌گذاران روبه‌رو هستیم. چنین است که حتی دولت‌هایی که مدتی توانسته‌اند راه امساک را در پیش گیرند، دوباره همچون معتادان وسوسه می‌شوند و سیاست‌های پولی پیشین را در دستور کار قرار می‌دهند.

یک مورد افتراق

اکنون که به سه مورد اشتراک اشاره کردیم، لازم است به ذکر یک مورد مهم افتراق نیز بپردازیم. درخصوص مضرات استعمال مواد مخدر اجماع قابل‌قبولی هم در سطح افکار عمومی و هم در سطح کارشناسی به‌وجود آمده است که فرآیند درمانی و قانونی مبارزه با آن را هموار کرده است؛ ولی درخصوص رشد نقدینگی چنین تقاربی از آرا به چشم نمی‌خورد. برای آنکه قادر باشم این تمایز را بیشتر توضیح دهم، مثالی ملموس ارائه می‌کنم:

ابتدا یک فرزند خردسال سرطانی را تصور کنید که تصاویر وی با سرتراشیده به‌طور مرتب از فضای مجازی منتشر می‌شود و از مردم درخواست می‌شود برای معالجه وی که ناتوان از پرداخت هزینه گزاف شیمی‌درمانی است، اعانات خود را به حساب خاصی واریز کنند. در سوی دیگر، بیمارستان خیریه‌ای را تصور کنید که برای اتمام کار ساختمانی یا خرید تجهیزات به کمک‌های مردم نیازمند است و هیات امنای آن از طریق انتشار اطلاعیه‌ای خواستار جذب کمک‌های مردمی می‌شوند. سوال آن است که کدامیک از این دو اطلاعیه بیشتر با اقبال عمومی روبه‌رو می‌شوند و چرا؟

بدون آنکه نیازمند تخصص یا نظرسنجی ویژه‌ای باشیم با احتمال قریب به یقین می‌توان گفت که درخواست کمک برای درمان طفل خردسال با استقبال بیشتری مواجه خواهد شد. دلیل آن نیز به لحاظ روانشناختی بسیار واضح و آشکار است. مورد اول یک مصداق معلوم، شناخته شده و قابل‌ارزیابی است؛ در حالی که مورد دوم یک جمع مجهول، ناشناخته و دشوار برای ارزیابی است. در پزشکی و مهندسی هم روال به‌همین ترتیب است. هنگامی که پزشک برای یک بیمار نسخه می‌نویسد، یک فرد مشخص، شناخته‌شده و قابل‌ارزیابی وجود دارد. وقتی مهندسی نقشه ساخت یک پل را طراحی و اجرا می‌کند، بازهم در مورد یک شیء معلوم، شناخته‌شده و قابل‌ارزیابی صحبت می‌کنیم. ولی هنگامی که در مورد علوم انسانی همچون جامعه‌شناسی، اقتصاد کلان، فلسفه، مدیریت و... صحبت می‌کنیم، در مورد جامعه‌ای داد سخن می‌دهیم که از افراد بسیاری تشکیل شده و ارزیابی صحت و سقم آنچه نقل می‌شود، حداقل برای شنوندگان عامی بسیار دشوار است. وقتی که در مورد تحولات فرهنگی جامعه، رشد درآمد سرانه، انسان‌شناسی و انگیزه‌های فردی در سازمان صحبت می‌کنیم، همه مصادیقی هستند که برای یک کل اجتماعی تعریف می‌شوند، بدون آنکه بتوان با یک مصداق مشخص حرف خود را به کرسی نشاند. به‌همین دلیل هنگامی که از تئوری‌های علوم انسانی چه برای عامه مردم و چه برای سیاست‌گذاران یا مقامات کشور سخن گفته می‌شود، آنان با شک و تردید بسیاری به گوینده نظر می‌کنند.

سه موتور محرک نقدینگی

در سال جدید سه موتور محرک می‌توانند دوباره به سیل نقدینگی جدید دامن بزنند. از یکسو طرح ادغام ۵ بانک نظامی که بر چارچوب پایه پولی استوار است، می‌تواند همچون موسسات پولی غیرمجاز در سال گذشته زنگ‌های خطر را به صدا درآورد. تامین ۲ میلیارد دلار از صندوق توسعه ملی برای کمک به سیل‌زدگان نیز با افزودن به دارایی‌های خارجی بانک مرکزی، بردار دوم تحریک پایه پولی در سال جدید خواهد بود. ضمن آنکه اگر بانک مرکزی برنامه کاهش نرخ سود بانکی را در پیش بگیرد، کاهش سهم سپرده‌های میان‌مدت بانکی، می‌تواند به‌شدت این لنگر ضد تورمی را تضعیف کند. به هر حال برای همه ما که نقشی در مسوولیت اجرایی کشور نداشته و نداریم و فقط برای خود مسوولیت اجتماعی تعریف کرده‌ایم، راهی جز تاثیر گذاری بر اذهان مردم و سیاست‌گذاران کشور برای تغییر مسیر فعلی وجود ندارد. همان توصیه‌ای که میلتون فریدمن در آخرین پاراگراف، آخرین مصاحبه قبل از مرگش در پاسخ به سوالی درخصوص بهترین توصیه شما برای کشورهای در حال توسعه‌ای که می‌خواهند به سوی اقتصاد آزاد حرکت کنند، ارائه می‌دهد.

خزانه‌دار اتاق بازرگانی اصفهان:

التهابات ارزی به خوبی مدیریت شد

نوسان: خزانه‌دار اتاق بازرگانی اصفهان گفت: این مدیریت بانک مرکزی بوده که نگذاشته اثرات روانی اقدامات اخیر آمریکا به داخل بازار سرایت کند و اگر مدیریت و تسلط بانک مرکزی بر بازار نبود، با یک موضع گیری سیاسی، بازار از کنترل خارج می‌شد.

سیدرسول رنجبران اظهار کرد: عملکرد بانک مرکزی در این چند ماه، عملکرد مناسبی بوده و توانسته ثبات را به بازار باز گرداند که نتیجه آن، بازگشت ثبات به کلیت اقتصاد است. عضو هیأت رئیسه اتاق بازرگانی اصفهان یادآور شد: در مجموع اقدامات بانک مرکزی قابل تحسین است و آثار آن برای اقتصاد مثبت بوده است. وی متذکر شد: با این حال بحث تورم داخلی سر جای خود قرار دارد و دلیل آن نیز نظام بوروکراتیک کشور در حوزه اقتصاد و نارسایی‌های ساختاری است که همه آن به بانک مرکزی مربوط نمی‌شود.

این فعال اقتصادی خاطرنشان کرد: نظام بوروکراتیک و ناکارآمد اقتصادی حاکم بر کشور به قوت خود باقی است اما در بحث سیاست‌های ارزی و کنترل قیمت‌های ارز، بانک مرکزی خوب عمل کرده و مدیریت قابل‌قبولی بر بازار داشته است.

رنجبران در پاسخ به سؤالی در خصوص اثرات روانی اقدامات اخیر آمریکا در رابطه با تروریستی اعلام کردن سپاه و یا عدم تمدید معافیت‌های نفتی اظهار داشت: این مدیریت بانک مرکزی بوده که نگذاشته اثرات روانی مذکور به داخل بازار سرایت کند و اگر مدیریت و تسلط بانک مرکزی بر بازار نبود، با یک موضع‌گیری سیاسی، بازار از کنترل خارج می‌شد.

اقتصاددان

دو چالش مهم کسب و کار

نوسان: نخستین نشست انجمن اقتصاددانان ایران با سخنرانی لطفعلی بخشی، درباره چالش های کسب و کار در کشور در اتاق ایران برگزار شد.

کارت های بازرگانی یکبار مصرف و شرکت های صوری؛ دو چالش کسب و کار در ایران هستند.

لطفعلی بخشی، اقتصاددان در اولین نشست انجمن اقتصاددانان در سال ۹۸ چالش های کسب و کار در ایران را مورد بررسی قرار داد. این اقتصاددان صدور کارت های بازرگانی یکبار مصرف و ثبت شرکت های صوری از مهم ترین موانع کسب و کار در کشور است.

او گفت: هیچ آماری درباره ثبت شرکت ها در ایران وجود ندارد و ثبت شرکت های صوری از چالش های اساسی اقتصاد ایران است. بخشی ادامه داد: برخی مقامات گفته اند که حدود ۱ میلیون ۳۰۰ هزار شرکت در ایران ثبت شده که ۴۰۰ هزار شرکت فقط اظهارنامه مالیاتی پر کرده اند. او گفت: این آمار نشان می دهد که حدود ۹۰۰ هزار شرکت به سازمان مالیات اظهارنامه خود را ارائه نمی دهند. به گفته بخشی، وجود شرکت های صوری باعث صادرات کالاهای نامرغوب و تقلبی و بدنام کردن صادرکنندگان و تولیدکنندگان کشور شده است.

این اقتصاددان افزود: شرکت های صوری که معلوم نیست چه افرادی آنان را می گردانند و با آبرو و اعتبار کشور بازی می کنند.

او گفت: شرکت های صوری بی نام و نشان در واردات کالاهای کم کیفیت، سواستفاده از کارت های بازرگانی یکبار مصرف و ترویج فساد اقتصادی نقش عمده‌ای دارند.

بخشی افزود: ۹۰ درصد افرادی که کارت بازرگانی دارند تقریبا از نظر مالی در رده های پایین جامعه قرار دارند. بیشتر آنان تحصیلات کافی ندارند، واژه های اقتصادی و حقوق بین الملل را نمی دانند، زبان خارجی بلد نیستند و سبب شده اند تا اعتبار و آبروی بازرگانان اصیل ایران را از بین ببرند.

او گفت: این افراد بخش خصوصی قلابی هستند و با سواستفاده از کارت های بازرگانی یکبار مصرف تقلب در اقتصاد را رواج داده اند.

این اقتصاددان تصریح کرد: بهتر است که ساز و کارهای مناسبی برای دریافت کارت بازرگانی در نظر گرفته شود. مثلا حداقل مدرک تحصیلی کارشناسی باشد، فرد مربوطه دست کم یک زبان خارجی را بداند، دوره های آموزشی تجارت بین الملل را خوانده و از آن نمره قبولی گرفته باشد و حقوق بین الملل را به خوبی بداند.

او گفت: ثبت شرکت با هزینه یکصد هزار تومان بیشتر به طنز شبیه است. باید جلوی افراد نفوذی در اقتصاد کشور را بگیریم تا از تعداد شرکت های صوری کاسته شود.

بخشی افزود: شرکت های صوری سبب شده اند تا هم چک های برگشتی افزایش یابد، هم اعتبار بازرگانان و تولیدکنندگان اصیل خدشه شوند و کیفیت تولید و تجارت تنزل یابد.

او گفت: اصلاح سیستم ارائه کارت بازرگانی و روند ثبت شرکت ها از مهمترین اقدامات اساسی برای اصلاح کسب و کار در کشور است.

با فروشندگان کد اقتصادی برخورد شود

عضو هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی اصفهان در نشست مالیاتی اتاق بازرگانی، خواستار برخورد سازمان مالیاتی با افرادی خاطی که کد اقتصادی را به فروش می گذارند شد و گفت: نباید تولیدکنندگان به خاطر مشتریانی که کداقتصادی را در بازار خریداری کردند مورد مواخذه قرار گیرند. احمد پزنده، از مدیرکل مالیاتی استان خواست که ممیزان مالیاتی هر صنف را به صورت تخصصی انتخاب کند و افزود: وحدت رویه مالیاتی نسبت به محاسبه مالیاتی یک صنف از تبعیض بین فعالان آن بخش جلوگیری می کند.

03

نقدینگی واحدهای تولیدی تأمین می‌شود

رئیس کل بانک مرکزی گفت: بانک مرکزی با تمام توان، متناسب با شرایط اقتصادی، ارز و نقدینگی واحدهای تولیدی را تامین می کند. عبدالناصر همتی در دیدار با استاندار اصفهان و جمعی از فعالان اقتصادی و تولیدکنندگان این استان، با تشریح سیاست‌های بانک مرکزی برای ایجاد رونق در تولید و تامین ارز مورد نیاز واحدهای تولیدی، اظهار کرد: گسترش صادرات غیرنفتی و توافقاتی که با کشورهای همسایه و شرکای تجاری انجام‌شده، باعث می‌شود نیازهای واحدهای تولیدی کشور به نحو مطلوب تامین شود.

04

ویژه SPECIAL

رویداد

محدودیت‌های بانکی با دریافت کد شهاب

نوسان: «اگر کد شهاب نگیرید، حسابتان مسدود می‌شود» این خلاصه تازه‌ترین اطلاعیه بانک مرکزی برای مشتریان بانکی است اما کد شهاب چیست؟ بهاءالدین حسینی هاشمی، کارشناس ارشد بانکی در این‌باره به «شهروند» می گوید: «کد شهاب یک کد هویتی ۱۶ رقمی است که به عنوان شناسنامه بانکی افراد محسوب می‌شود. این کد مشخص می کند که فردی چند حساب بانکی دارد، چقدر بدهی دارد یا واریزی‌هایش چقدر است و....

او با بیان این نکته که از این به بعد هر فرد تنها می‌تواند یک حساب جاری داشته باشد، این اقدام بانک مرکزی را برای جلوگیری از پولشویی و کلاهبرداری با حساب‌های جعلی و صوری می‌داند و می گوید که این اقدام بانک مرکزی برای ایجاد شفافیت بیشتر است و هر کس که اطلاعات بانکی‌اش را در زمان افتتاح حساب ناقص وارد کرده، باید به بانک مراجعه و اطلاعاتش را تکمیل کند وگرنه امکان استفاده از حسابی با اطلاعات ناقص را از دست می‌دهد. البته چندی پیش هم عبدالناصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی در خصوص مسدودسازی حساب‌های بانکی فاقد کد شهاب تاکید کرده و این اقدام را به منظور ساماندهی و ایجاد شفافیت اعلام کرده بود.

بر اساس بخشنامه جدید بانک مرکزی ارایه خدمات بانکی به اشخاص حقیقی منوط به داشتن شناسه شهاب عنوان شده و پس از تاریخ اول اردیبهشت ماه بانک‌ها به صورت قانونی امکان ارایه خدمات به مشتریان حقیقی که شناسه شهاب برای آنها تولید نشده، نخواهند داشت و حساب بانکی این افراد مسدود می‌شود؛ بر همین اساس مشتریان بانکی که نقص اطلاعات دارند یا کد شهاب برای آنها صادر نشده است، باید هر چه سریع‌تر به محل افتتاح حساب برای ارایه اطلاعات هویتی و رفع نواقص به منظور صدور کد شهاب اقدام کنند.

بر اساس بخشنامه بانک مرکزی، بانک‌ها و موسسات مالی برای صدور کد شهابی مشتریان نیاز به در اختیار داشتن اطلاعات هویتی کامل مشتریان دارند؛ بر همین اساس باید نام، نام خانوادگی، کد ملی، شماره شناسنامه، آدرس منزل، شماره تماس، شغل و... از مشتریانی که برای آنها کد شهاب در شبکه بانکی به دلیل نقص اطلاعات صادر نشده، گرفته شود تا برایشان کد شهاب صادر شود و حساب بانکی به کارکرد ادامه دهد و در غیر این صورت حساب بانکی مسدود خواهد شد.

البته مشتریان باید برای دریافت کد شهاب به شعبه محل افتتاح حساب بانکی مراجعه کنند.

نگاهی به نشانه‌های کوتاهی میراث اصفهان در برابر حفظ و حراست از آثار تاریخی؛

چراغ‌های سبز میراث

ماندانا خرم / روزنامه‌نگار

گروه شهری
گزارش

اصفهان را به واسطه آثار تاریخی منحصر به‌فرد، پایتخت فرهنگ ایران‌زمین و حتی جهان اسلام می‌دانند که هوش از وجود هر فرهنگ‌دوستی می‌رباید. با این‌وجود به‌نظر می‌رسد حال روز آثار تاریخی این شهر، در روزهای اخیر چندان خوشایند نیست. برخی مانند خانه نائل تخریب شده اند؛ برخی مانند سی و سه پل مورد تعرض قرار گرفته و برخی نیز مانند حمام شیخ‌بهایی به حالت متروکه و مخروبه رها شده است. به اعتقاد بسیاری از فعالین‌فرهنگی، کم‌کاری و کوتاهی اداره‌کل میراث‌فرهنگی اصفهان در شش سال گذشته موجب دامن زدن به بسیاری از این تخریب‌ها شده است. این گزارش سعی دارد به مصادیقی از اهمال و کوتاهی میراث فرهنگی اصفهان در حفظ و نگهداری تاریخ این شهر بپردازد؛

تخریب خانه تاریخی نائل

شامگاه چهارشنبه اول آذر سال ۱۳۹۶ بود که خانه تاریخی نائل با قدمت صفوی واقع در کوچه مسجد مصری، محله طوقچی، توسط افراد ناشناس به‌طور کامل تخریب شد. این خانه جزو نخستین خانه‌های تاریخی ایران بود که در سال ۱۳۵۴ به شماره ۱۱۰۲ در فهرست آثار ملی ایران قرار گرفت. بنا بر گفته کارشناسان، بنایی منحصر به‌فرد بود که مورد توجه پرفسور آرتورپوپ نیز قرار داشت. همچنین طبق گفته "فرهاد نظری" مدیرکل وقت دفتر ثبت آثار تاریخی، قرار بود به‌عنوان یکی از خانه‌های ایرانی در پرونده ثبت جهانی قرار گیرد. تخریب این اثر باعث شد گنجینه آثار و خانه‌های تاریخی ایران دچار نقص شود.

با وجود این همه ارزش، خانه نائل از مدت‌ها پیش به‌شکل متروکه رها شده و برخی از بخش‌های آن نیز مورد تخریب قرار گرفته بود. همچنین برخی از اهالی محل به‌همراه فعالین میراث‌فرهنگی اصفهان، از روزها و حتی ماه‌ها پیش از وقوع این حادثه در مورد احتمال تخریب این خانه هشدار داده و مسئولین اداره‌کل میراث‌فرهنگی اصفهان را در جریان گذاشته‌بودند.

درهمین حال "فریدون الهیاری"، مدیرکل میراث‌فرهنگی استان اصفهان چندساعت پس از تخریب این خانه مدعی شد که فقط بخش دیوار بیرونی این بنا تخریب شده است. او افراد محلی را مسبب این حادثه دانست که به بهانه تعریض خیابان دست به این کار زدند. اما سه روز بعد، زمانیکه طبق گزارش‌های تصویری، مشخص شد، این کار توسط لودر انجام شده است؛ با این ادعا که این کار نمی‌تواند تنها توسط افراد محلی صورت گرفته باشد، و پای نهاد دیگری که احتمالا شهرداری منطقه ۳ می‌باشد در میان است، اعلام کرد: "حتی اگر مسئولان شهرداری در این تخریب نقش داشته باشند اداره‌کل میراث‌فرهنگی، اصفهان ذره‌ای کوتاه نخواهد آمد و با عاملان این اتفاق برخورد جدی خواهد کرد. از آنجایی که این بنا ثبتی بوده است طبق قانون، متخلفین مکلف‌اند عین‌به‌عین این بنا را بسازند. ما بدون هیچگونه مسامحه‌ای محکم پای شکایت خود می‌ایستد". اتفاقی که تا امروز رخ نداده است. گزارش‌ها نیز حاکی از آن است که محل این خانه کاملا متروکه، تبدیل به مکانی برای حیوانات ولگرد شده است. در همین حال "حسین کارگر" شهردار منطقه ۳ اصفهان نیز در روزهای پس از این حادثه صحبت‌های الهیاری را تهمت‌هایی بی‌اساس دانست.

به‌اعتقاد بسیاری از دوستداران میراث‌فرهنگی، تخریب خانه نائل، یکی از نشانه‌های عدم کفایت اداره‌کل میراث اصفهان در برابر حفظ و حراست از آثار تاریخی این شهر است. آنچنان که "احسان رعنایی" فعال میراث‌فرهنگی اصفهان می‌گوید: تخریب خانه نائل یک سنگ محک تمام عیار برای عدم کفایت اداره میراث‌فرهنگی اصفهان بود. زمانی که هشدارها داده می‌شود و شواهد نشانگر وقوع این حادثه است اما به علت بی‌تفاوتی اداره‌کل میراث اصفهان و دروغ‌پردازی آنها مبنی برنظارت و کنترل بنا، این خانه تخریب می‌شود. همچنین "علی اصغر بدری" فعال حوزه میراث‌فرهنگی با انتقاد از عملکرد مدیران میراث‌فرهنگی استان اصفهان در این رابطه می گوید: "باوجود اینکه وعده بازسازی عین‌به‌عین خانه نایل داده شد، هرگز این مهم رخ نداد. حتی بعد از آن در یک حرکت پوپولیستی، عکسی منتشر شد که معاون میراث استان در حال جابه‌جایی آجرهای باقی‌مانده این خانه است و مثلا دارد مقدمه را برای بازسازی خانه فراهم می کند! من از مدیران میراث اصفهان تقاضا دارم برای شعور مخاطبان ارزش قائل باشند".

آتش‌سوزی کاخ سرهنگ‌آباد

درحالی که دوستداران میراث استان اصفهان داغدار خانه نائل بودند؛ حدود سه‌ماه پس از این حادثه، کاخ قاجاری سرهنگ‌آباد زواره که در سال ۱۳۵۵ به ثبت آثار ملی رسیده و به خواهرخوانده کاخ چهلستون اصفهان مشهور بود در آتش سوخت. هرچند طبق گزارش خبرگزاری ایسنا در ساعت اولیه این حادثه نه مدیرکل و نه معاونین مربوطه در اداره‌کل میراث‌فرهنگی پاسخ‌گوی خبرنگاران نشدند و تنها "شهرام امیری" مدیرروابط عمومی، آتش‌سوری بخشی از بنا را تایید کرد؛ با این‌وجود کمی بعد الهیاری ضمن اظهار تاسف از اتفاق رخ داده، اینبار نیز اعلام کرد، مسببان آن راتحت پیگرد قرار خواهند داد.

محمدعلی بدری در مورد این حادثه نیز می گوید: "با وجود اینکه اعلام شد با عاملان این ماجرا برخورد قانونی خواهد شد؛ اما هیچ‌گاه عامل اصلی این ماجرا و انگیزه آن به افکار عمومی معرفی نشد. آیا فعالان مدنی محرم اسرار نیستند و بیگانه‌اند؟! در این مورد ماه‌ها بود که فعالان مدنی به کوتاهی‌های مدیر میراث اداره اردستان اشاره می کردند، ولی مدیران میراث استان دست روی دست گذاشتند تا کاخ سرهنگ‌آباد خاکستر شود".

چراغ سبز درمورد چهارباغ عباسی

تعرض شهرداری اصفهان در خیابان تاریخی چهارباغ عباسی را می‌توان یکی از پرسروصداترین پروژه‌های عمرانی اصفهان دانست. هرچند پیمانکار اصلی این پروژه شهرداری اصفهان است؛ اما با کمی تامل و کنکاش می‌توان رد چراغ سبز میراث‌فرهنگی اصفهان را در آن پیدا کرد. آنجایی که "سیدهادی احمدی‌روئینی" مدیرکل دفتر حفظ و احیای بناها، بافت‌ها و محوطه‌های تاریخی سازمان میراث فرهنگی تصاویر منتشرشده از اقدامات انجام‌شده شهرداری اصفهان در محور میانی خیابان چهارباغ عباسی، طی چند روز گذشته را با مصوبات سازمان میراث فرهنگی مغایر می داند. اما "فریدون‌الهیاری" مدعی می‌شود، تمام اتفاقات انجام شده در این خیابان با حضور سه‌ناظر از اداره‌کل میراث‌فرهنگی اصفهان درحال انجام است و جای این پرسش را باقی می گذارد که چرا باوجود طرح مصوب و ابلاغ جزییات آن به استان و وجود سه‌ناظر از سوی میراث‌فرهنگی شاهد این حجم از تخلف و قانون‌گریزی در محور میانی چهارباغ عباسی هستیم. پروژه ای که شهردار اصفهان تاکید می کند با مجوز مستقیم میراث‌فرهنگی در جریان است!!

اهمال در گذر آقانجفی

احداث خیابان آقانوراله نجفی در ضلع شرقی و حریم درجه یک میدان نقش‌جهان را باید یکی از پروژه‌ها پرسروصدای چندسال اخیر اصفهان دانست. پروژه‌ای که به واسطه آن ۱۴ خانه ثبتی و واجد ثبت تخریب شد و واکنش دوستداران میراث اصفهان را به دنبال داشت. هرچند مسئولین میراث استان اصفهان قول پیگیری این ماجرا را داده بودند، اما طبق اسناد منتشر شده این طرح در ۲۴ خرداد ۹۴ در کمسیون ماده پنج استان، با عرض ۱۴ متر تصویب می‌شود. اداره کل میراث‌فرهنگی اصفهان نیز با ذکر این نکته که طرح باید با نظر معاون میراث‌فرهنگی کشور در شورای عالی شهرسازی و معماری مطرح گردد، مصوبه را امضا می‌کند. ولی متاسفانه در ارجاع آن اهمال صورت می‌گیرد و همین مصوبه از سوی استانداری به شهردار ابلاغ می شود. بنا بر شنیده ها، تا سال ۱۳۹۷، سازمان میراث فرهنگی و وزارت راه وشهرسازی ظاهرا از این موضوع و اقدامات انجام شده، بی اطلاعند. مسئله‌ای که به‌معنای چراغ سبز میراث استان اصفهان به شهرداری این شهر است.

نقطه سرخط

مصادیقی که نشان دهد میراث‌فرهنگی استان اصفهان در چندسال گذشته در برابر حجم تخریب‌های آثار تاریخی این استان کوتاهی کرده است کم نیستند. حتی آنقدر زیاد است که در چندین گزارش بلند می‌توان در مورد آنها نوشت. جدای از مصادیق ذکر شده، در کوتاهی میراث پیرامون "قلعه شاهدژ" در کوه صفه و حتی حصارکشی سی‌وسه‌پل از جمله مواردی هستند که می‌توان در مورد آن صحبت کرد؛ اما متاسفانه از حجم گزارش ما خارج است. اما کافی است عنوان مصادیق مذکور را در گوگل سرچ کنید تا با حجم گزارش‌هایی که ابعاد گوناگون مسئله را مورد بررسی قرار داده است بیشتر بدانید. با این وجود به‌نظر می‌رسد وقت آن رسیده تا سازمان میراث‌فرهنگی به عنوان متولی میراث کشور اقدام جدی در مورد میراث اصفهان انجام‌دهد.

تحلیل

آخرین داده‌های مرکز آمار نشان می‌دهد؛

افت زاد و ولد شغل

داده‌های مرکز آمار خبر از کاهش قدرت اشتغال‌زایی اقتصاد ایران در سال گذشته می‌دهد. در سال ۹۷ میزان شغل تولید شده معادل ۴۳۴ هزار نفر بوده که در قیاس با سال قبلش، ۲۹ درصد افت کرده است چرا که در سال ۹۶، اقتصاد ایران توانسته بود ۶۱۵ هزار نفر بر تعداد شاغلان بیفزاید. داده‌های زمستان ۹۷ نیز نشان می‌دهد که میزان اشتغال‌زایی در این فصل (در قیاس با زمستان ۹۶)، به ۲۶۵ هزار نفر رسیده، در حالی که این عدد برای زمستان ۹۶، بیش از ۷۰۰ هزار نفر بوده است. این رویه، به عکس جهتی است که اقتصاد ایران برای حل ابرچالش بیکاری بدان نیازمند است.

افت اشتغال‌زایی سال ۹۷

طبق داده‌های مرکز آمار، در سال گذشته بر تعداد شاغلان کشور ۴۳۴ هزار و ۴۳۲ نفر افزوده شده است. به زبان دیگر، میزان اشتغال‌زایی اقتصاد ایران در سال ۹۷ معادل ۴۳۴ هزار نفر بوده است. این در حالی است که در ۳ سال قبلش، کمترین میزان اشتغال‌زایی از ۶۱۵ هزار نفر بیشتر بود. پس میزان اشتغال‌زایی اقتصاد ایران در سال گذشته افت کرده است که این می‌تواند متقارن با داده‌های رشد اقتصادی باشد. مطابق آخرین گزارش مرکز آمار، تولید ناخالص داخلی در ۹ ماهه ابتدایی سال قبل، ۳/۸ درصد افت کرده است. بیشترین دلیل افت نیز در بخش صنعت قابل ردیابی است. در نتیجه با افت تولیدات در صنایع مختلف، افت اشتغال‌زایی اتفاق عجیبی شمرده نمی‌شود.

میزان افت فصلی شاغلان

میزان شاغلان کشور در فصل اول سال ۹۷، معادل ۲۴ میلیون و ۶۴ هزار نفر بوده است. اما تعداد شاغلان در آخرین فصل به ۲۳ میلیون و ۳۱۳ هزار نفر کاهش یافته است، یعنی حدودا ۷۵۰ هزار نفر از تعداد شاغلان کاسته شده است. اما نگاهی به سال‌های قبل هم نشان می‌دهد که کاهش تعداد شاغلان از فصل بهار تا زمستان امری طبیعی بوده است، در حقیقت برخی شغل‌های فصلی همچون کشاورزی وجود دارند که در بهار و تابستان وجود دارند و در فصل‌های سرد سال وجود ندارند. در نتیجه افت تعداد شاغلان در فاصله بین ۴ فصل غیرطبیعی نیست. نکته‌ای که در سال گذشته جلب نظر می کند، شدت این افت است. مثلا در سال ۹۶، از تعداد شاغلان از بهار تا زمستان در حدود ۳۰۰ هزار نفر کاسته شده است. در سال ۹۵، این افت در حدود ۲۶۰ هزار نفر است. اما شدت افت در سال ۹۷، تقریبا ۲ تا ۳ برابر حد نرمالش در طول سالیان اخیر است. حداقل از سال ۹۳ چنین افتی مشاهده نشده بود. در سال ۹۲، افت تعداد شاغلان در طول ۴ فصل به‌نزدیک یک میلیون نفر رسیده بود.

وضعیت بیکاری جوانان و تحصیلکرده‌ها

دغدغه دیگر بازار کار ایران، وضعیت بیکاری فارغ‌التحصیلان آموزش عالی یا تحصیلکرده‌هاست. نرخ بیکاری این گروه در زمستان ۹۷ معادل ۱۷/۴ درصد گزارش شده است که در قیاس با زمستان ۹۶، معادل ۰/۳ درصد بهبود یافته است. نرخ بیکاری تحصیلکرده‌ها با نرخ بیکاری کل فاصله ۵/۳ درصدی دارد که در قیاس با بیکاری جوانان در وضعیت بهتری قرار می گیرد. نکته قابل توجهی که وجود دارد اینکه، بر اساس داده‌های مرکز آمار، سهم جمعیت بیکار فارغ‌التحصیل آموزش عالی از کل بیکاران کشور در زمستان ۹۷ به ۳۷/۵ درصد رسیده است که این عدد در قیاس با زمستان ۹۶، معادل ۲/۲ درصد رشد کرده است. به زبان دیگر از هر ۲/۶ نفر بیکار در کشور، یک نفر فارغ‌التحصیل آموزش عالی است. در کنار این، سهم فارغ‌التحصیلان دانشگاهی از کل شاغلان در زمستان گذشته معادل ۲۴/۵ درصد بوده است که معادل این می‌شود که از هر ۴ نفر شاغل، یک نفر فارغ‌التحصیل آموزش عالی است. در حقیقت اگر بخواهید یک فارغ‌التحصیل آموزش عالی پیدا کنید، جست‌وجو در بین بیکاران ساده‌تر از جست‌وجو در بین شاغلان است. نکته‌ای که در مورد نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان برجسته است، بیکاری بالای زنان تحصیلکرده است. به‌طوری که نرخ بیکاری مردان تحصیلکرده معادل ۱۲/۵ درصد و نرخ بیکاری زنان، معادل ۲۷/۱ درصد گزارش شده است. این مساله ثابت می کند که در کنار بیکاری جوانان و تحصیلکرده‌ها، چالش سوم بازار کار ایران، بیکاری زنان است.

جغرافیای بیکاری

داده‌های زمستان ۹۷ نشان می‌دهد که وضعیت بیکاری در نقاط شهری، بغرنج‌تر از نقاط روستایی بوده است. نرخ بیکاری در مناطق شهری معادل ۱۳/۳ درصد و نرخ بیکاری در مناطق روستایی معادل ۸/۷ درصد گزارش شده که نشان از شکاف ۴/۶ درصدی دارد. این در حالی است که شکاف نرخ بیکاری شهر و روستا در زمستان ۹۶، معادل ۳/۱ درصد بود. از نظر جغرافیایی، هنوز استان‌هایی وجود دارند که نرخ بیکاری در آنها تک‌رقمی است. مطابق گزارش مرکز آمار در زمستان گذشته، نرخ بیکاری در استان‌های مرکزی، مازندران، قم، فارس، سمنان، خراسان جنوبی و بوشهر زیر ۱۰ درصد است. بهترین وضعیت، در استان مازندران با نرخ بیکاری ۶/۳ درصد گزارش شده است. در استان تهران، نرخ بیکاری در زمستان گذشته به ۱۰/۹ درصد رسیده است که نسبت به میانگین کشوری، عدد کمتری بوده است. بدترین وضعیت بیکاری در استان‌های کرمانشاه، کردستان، آذربایجان غربی، چهارمحال و بختیاری و خوزستان مشاهده می‌شود. در این استان‌ها نرخ بیکاری بیشتر از ۱۵ درصد بوده و بدترین وضعیت در اختیار استان کرمانشاه با نرخ ۲۰/۹ درصد است.

برآده‌ها

۶۰ درصد بازار در قبضه طلای آب‌شده

نوسان: رئیس اتحادیه طلا و جواهر تهران با اشاره به ورود تقاضاهای خرد جدید به بازار طلا گفت: «معاملات مصنوعات طلا بشدت کاهش یافته است، به‌طوری که براساس برآوردها حدود ۶۰ درصد حجم مبادلات بازار به طلای آب‌شده و بقیه به سکه طلا اختصاص دارد.» آیت محمدولی درباره دلایل نوسان بهای طلا و سکه در بازار، افزود: «افزایش بهای طلا به دلیل انتظار روانی برای افزایش قیمت‌ها و ورود تقاضاهای خرد جدید به این بازار است.» محمدولی با بیان این که چشم‌انداز قیمت طلا در هفته‌های آینده افزایشی است، خاطرنشان کرد: «اکنون چیزی به‌عنوان خرید و فروش مصنوعات طلا نداریم، آمار معاملات این بخش بسیار پایین است، مردم بیشتر به سراغ خرید سکه و طلای آب‌شده می‌روند. براساس برآوردها حدود ۶۰ درصد معاملات به طلای آب‌شده اختصاص دارد و نزدیک ۴۰ درصد مربوط به انواع سکه است.»

حمایت قطر از استارت‌آپ‌های گردشگری ورزشی

نوسان: زوراب پولولیکاشویلی، دبیر کل سازمان جهانی گردشگری در دیداری با اکبر الباکر، رئیس شورای ملی گردشگری قطر با امضای توافق‌نامه‌ای اعلام کردند که قطر حامی نخستین دوره رقابت استارت‌آپ‌های گردشگری ورزشی سازمان جهانی گردشگری خواهد بود که با همکاری باشگاه فوتبال بارسلونای اسپانیا برگزار خواهد شد. هدف از برگزاری این رقابت ارتقا و تقویت بخش‌های گردشگری و ورزش و در عین حال افزایش کارآفرینی و تقویت نوآوری در گردشگری ورزشی است. برندگان نخستین دوره رقابت استارت‌آپ‌های گردشگری ورزشی در مرکز نوآوری باشگاه بارسلونای اسپانیا مورد حمایت قرار می گیرند و برای اجرای ایده، قطر که میزبان جام‌جهانی فوتبال ۲۰۲۲ است در نظر گرفته خواهد شد. شورای ملی گردشگری قطر پیش از این نیز برای مطالعه پیرامون تاثیر تسهیل اخذ ویزا در صنعت گردشگری و اقتصاد قطر با سازمان جهانی گردشگری همکاری کرده بود.

هماهنگی برای ارائه تسهیلات به گردشگری

نوسان: وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی یکی از مشکلات حوزه گردشگری را عدم شناسایی طرح‌های گردشگری از سوی بانک‌ها دانست و از رایزنی با مدیران بانک‌ها برای ارائه تسهیلات به این حوزه خبر داد. محمد شریعتمداری درباره طرح ویژه ایجاد ۱۴۰ هزار شغل برای رونق بخش گردشگری و صنایع‌دستی، گفت: «وزارت کار جلسه‌ای با رئیس سازمان میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی به منظور پیگیری این هدف‌گذاری کمی در سال ۹۸ برای ایجاد اشتغال انجام داده است تا از ظرفیت اشتغال‌زایی این حوزه بهره گیرد.» شریعتمداری افزود: «بانک‌ها طرح‌های تولیدی را خوب می‌شناسند و برای حمایت از آنها راحت عمل می کنند ولی مثلا یک طرح بوم‌گردی با مشکلاتی روبه‌رو است؛ بنابراین ما برای استاندارد کردن فرمت‌های مربوطه به منظور پرداخت وام در حوزه گردشگری با همکاری سازمان میراث‌فرهنگی تلاش کردیم.»

کویر نوش آباد مستعد کاشت گل محمدی

نوسان: مجری طرح کشت گل محمدی در نوش آباد گفت: نوش آباد از نظر جغرافیایی در موقعیت خط القعر دشت کاشان قرار گرفته و رسوب آبرفت سیلاب رودخانه‌هایی است که از مناطق کوهستانی قمصر، نیاسر، برزک و قهرود سرچشمه می گیرند و همین امر این منطقه را مستعد کاشت گل محمدی کرده است. محمود ساجدی، اظهار کرد: گرم شدن هوای نوش آباد که در بخش کویری دشت کاشان قرار گرفته، موجب می‌شود که گلستان‌های این منطقه در نیمه دوم فروردین به محصول برسد. وی افزود: کشاورزان نوش آباد طی ۱۲ سال گذشته بر اساس تجربه، کشت گل محمدی را به‌عنوان کشت جایگزین و مقرون به صرفه اقتصادی را آغاز کرده اند، اما مسئولان شهرستان آران و بیدگل هیچ اقدامی در جهت حمایت از گلکاران نوش آباد و حتی ترویج گل در این شهر نکرده‌اند.

ویژه SPECIAL

افزایش همکاری فولاد امیرکبیر با آموزش و پرورش

مدیرعامل شرکت فولاد امیرکبیر کاشان در دیدار رئیس آموزش و پرورش شهرستان کاشان، بر ارتقای سطح همکاری و افزایش تعامل فیمابین تاکید کرد. عزیز قنواتی افزود: آموزش و فرهنگ، زیرساخت اصلی توسعه همه جانبه کشور است و این شرکت همواره بر نگرش صحیح فرهنگ کار و آموزش و پرورش نیروهای مستعد و خلاق تاکید داشته است. وی افزود: این شرکت در راستای مسئولیت های اجتماعی و به جهت تعامل فرهنگی، آموزشی، همکاری و تعامل ارزش افرین ایجاد کرده است.

01

فولاد مبارکه مورد بی مهری قرار گرفته است

حیدرعلی عابدی گفت: خوشبختانه تاکنون مسئولان و مدیران توانمند فولاد مبارکه حداکثر ظرفیت خود را برای خدمت رسانی به کشور به کار گرفته اند، ولی این صنعت دچار بی مهری های زیادی شده است.نماینده مردم اصفهان در مجلس شورای اسلامی، اظهار تاسف کرد: وقتی که می خواهند به اصفهان امتیاز منفی بدهند، می گویند فولاد مبارکه جزو صنایع آب بر است، در حالی که سودی که از فولاد مبارکه به دست می آید عاید کل کشور می شود.

02

گفت و گو

نگاهی به آمار تولید و فروش فولادسازان در سال ۹۷؛

روند رو به رشد فولاد مبارکه در ۴ فصل

نوسان: آمارهای تولید و فروش سال ۹۷ نشان می‌دهد که فولادسازان ایرانی توانسته‌اند در ۱۱ ماهه این سال، ۱۹ میلیون و ۶۰۴ هزار تن محصولات فولادی تولید کنند که این رقم، ۸ درصد بیشتر از مدت مشابه در سال ۹۶ است.

فولادسازان کشور در سال ۹۷، سالی پر فراز و نشیب را پشت سر گذاشتند؛ جهش‌های یک‌باره ارز، اعمال تحریم‌های مستقیم آمریکا علیه صنایع فلزی ایران، مشکل تبادلات مالی با اروپا، نوسانات بازارهای جهانی و مهم‌تر از همه، سردرگمی دولت در مدیریت بازار فولاد و صدور بخشنامه‌های متناقض از جمله مشکلاتی بود که صنعت فولاد کشور را در این سال آزار داد و باعث شد تا در مقطعی، تولید و فروش بنگاه‌های این صنعت پیشران در اقتصاد کشور با مشکل مواجه شود.

بیشترین رشد تولید، در میلگرد با ۲۴ درصد رشد و پس از آن، بیلت و بلوم با ۲۲ درصد رشد گزارش شده و بیشترین افت تولید نیز در سایر محصولات فولادی با ۱۷ درصد افت ثبت شده است. یکی از دلایل مهم این رشد، به ثمر رسیدن طرح‌های توسعه فولادسازان بزرگ از جمله فولاد مبارکه وهمچنین به بهره‌برداری رسیدن واحدهای فولادسازی در گل گهر، از زیر مجموعه‌های فولاد مبارکه است.

فولاد مبارکه در سال گذشته موفق به تولید ۶ میلیون و ۷۸۸ هزار تن محصول شد و با فروش ۶ میلیون و ۷۱۵ هزار تن محصول توانست به مبلغ فروش ۲۳ هزار و ۴۱۰ میلیارد تومانی برسد که این مبلغ در قیاس با سال ۹۶، ۴۸ درصد رشد را نشان می‌دهد.

فولاد مبارکه در بهار ۹۷، ۴ هزار ۷۰۰ میلیارد تومان، تابستان ۵ هزار و ۱۰۰ میلیارد تومان، پاییز ۶ هزار و ۳۰۰ میلیارد تومان و در زمستان ۷ هزار و ۲۵۰ میلیارد تومان محصول فروخته که روند صعودی فروش در چهار فصل از سال ۹۷ نشان‌دهنده وضعیت مناسب تولید و فروش در این شرکت و البته اثرگذاری ناچیز تحریم‌ها بر رونق تولید این غول فولادساز است.

بیشترین میزان تولید مبارکه در این سال در بخش نورد گرم ثبت شده و این واحد با تولید ۴ میلیون و ۴۴۹ هزار تن ورق گرم در صدر تولید فولاد مبارکه قرار گرفته است. بر همین اساس انتظار می‌رود این روند در سایر فولادسازان از جمله فولاد مبارکه نیز قابل تسری باشد و صادرات این بنگاه‌ها در سال ۹۸ وضعیت بهتری نسبت به سال ۹۷ داشته باشند و البته این موضوع ارتباط مستقیمی با نیاز مصرف‌کنندگان داخلی و ترکیب تقاضای داخلی دارد.

با این حال پیش درآمد همه این پیش‌بینی‌ها، عدم بازگشت دولت به عرصه تصدی‌گری و دخالت در بازار فولاد است؛ مادامی که دولت به سیاست‌های کنترلی خود در بازار فولاد باز نگردد می‌توان انتظار داشت که صادرات این محصول از میزان سال‌های گذشته فراتر رود؛ در غیر این صورت داستان سال ۹۷ قابل تکرار خواهد بود.

وزیر صمت در نشست با تولیدکنندگان فولاد مطرح کرد:

تولید محصولات جدید در اولویت است

نوسان: مدیرعامل فولاد مبارکه به همراه جمعی از دیگر تولیدکنندگان فولاد کشور با دکتر رحمانی وزیر صنعت، معدن و تجارت دیدار کردند.

به گزارش خبرنگار فولاد، در این جلسه دکتر رحمانی وزیر صنعت، معدن و تجارت، پس از استماع گزارش مهندس عظیمیان از عملکرد گروه فولاد مبارکه، اقدامات صورت گرفته در بزرگترین گروه فولادسازی کشور را ارزشمند و قابل تقدیر دانست و با تأکید بر ضرورت حفظ سطح تولید موجود خاطرنشان کرد: در شرایط فعلی افزایش بهره وری و به کارگیری تمامی ظرفیت های موجود از اهمیت خاصی برخوردار است.

همچنین در این دیدار وزیر صنعت، معدن و تجارت تولید محصولات جدید را از اولویت ها دانست. بومی سازی حداکثری تجهیزات موردنیاز صنعت فولاد کشور و تکمیل و به بهره برداری رساندن هرچه سریعتر خط تولید الکترود گرافیتی اردکان از دیگر مواردی بود که وزیر صنعت، معدن و تجارت بر آنها تأکید کرد.

مدیرعامل فولاد مبارکه در این دیدار ضمن تشریح عملکرد گروه فولاد مبارکه در سال ۹۷ و ارائهٔ برنامه های تولید در سال ۹۸ اظهار داشت: گروه فولاد مبارکه مصمم است تا در سال ۹۸ افزایش و رونق تولید را محقق سازد.

حمیدرضا عظیمیان با تأکید بر اینکه همهٔ اهداف گروه فولاد مبارکه در تولید آهن اسفنجی و فولاد خام در سال ۹۷ محقق شده است گفت: در سال ۹۸ نیز کارکنان گروه فولاد مبارکه تلاش خواهند کرد تا راهبرد مقام معظم رهبری محقق شود؛ به همین منظور، در این گروه (شرکت فولاد مبارکه، فولاد هرمزگان و مجتمع فولاد سبا) برای تولید بیش از ۸،۵ میلیون تن فولاد خام، ۶،۵ میلیون تن کلاف گرم و بیش از ۱،۵ میلیون تن کلاف خام و در واحدهای احیا مستقیم فولاد مبارکه، فولاد هرمزگان، فولاد سبا و شرکت فولاد سفیددشت چهارمحال و بختیاری تولید حدود ۱۱ میلیون تن آهن اسفنجی برنامه ریزی شده است.

وی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به دستاوردهای جدید فولاد مبارکه در تولید ورق های ویژه از جمله ورق موردنیاز خودروسازان و سازندگان لوله و پروفیل کشور خاطرنشان کرد: با رشد عرضهٔ ۸۵ درصدی محصولات فولاد مبارکه طی ۴ سال اخیر تاکنون، واردات محصولات تخت از ۴ میلیون تن به حدود ۸۵۰ هزار تن کاهش یافته است و این دستاورد بزرگ گام بلندی در راستای خودکفایی و جلوگیری از خروج ارز از کشور بوده است.

تاکید مدیرعامل فولادمبارکه برای تحقق شعار سال؛

رونق تولید در واحدهای زیردستی

در سال جاری تولید را با راندمان گرفتن از کوره ها، ۵ درصد افزایش می دهیم

گروه صنعت
گزارش

مدیر عامل فولاد مبارکه اصفهان در هجدهمین نمایشگاه محیط زیست، در جمع خبرنگاران حضور یافت و به اقدامات این شرکت در حوزه محیط زیست پاسخ گفت. مهندس حمیدرضا عظیمان تاکید کرد، توجه به محیط زیست، همواره از نگاه مدیریت شرکت، و اساسا در گروه فولاد مبارکه، اولویت بالایی دارد و اختصاص هرگونه بودجه درزمینه محیط‌زیست به معنی واقعی سرمایه‌گذاری تلقی شده است؛ به همین سبب است که در کنار کوره‌های قوس الکتریکی، کارخانجات احیای مستقیم و سایر واحدهای این شرکت، پیشرفته‌ترین سیستم‌های تصفیه نیز به کار گرفته شده است. عظیمیان، در عین حال به شعار سال و رونق تولید پرداخت و گفت: چند هزار واحد صنعتی در کشور با محصولات مبارکه زنده هستند و باید تلاش کنیم تکنولوژی های فروش و تولید را پایدار نگه داریم تا رونق تولید در واحدهای زیردستی حفظ شود.

مدیرعامل فولاد مبارکه اصفهان گفت: توجه به مسائل زیست محیطی برای فولاد مبارکه نه یک الزام بلکه یک اقدام خود خواسته و داوطلبانه است.

حمیدرضا عظیمیان افزود: در مبارکه صرفا تولید را در نظر نمی گیریم بلکه در کنار تولید با کمیت و کیفیت، اقدامات زیست محیطی را مد نظر قرار می دهیم؛ به گونه ای که در سال ۷۳ با ۲.۳ میلیون تن تولید، مصرف آب ۱۶ مترمکعب بود درحالی که امسال با ۷.۲ میلیون تن تولید به ۲.۷ متر مکعب رسیده است و این به معنای صرفه جویی ۸.۹ درصدی در مصرف آب می باشد.

> از دولت درخواست می کنیم، تامین نقدینگی را برای واحدهایی نظیر مبارکه داشته باشد تا بخشی از مشکل بیکاری در برخی استان ها که با توسعه فولاد هرمزگان و نورد مبارکه ایجاد می شود برطرف گردد

عظیمان خاطرنشان کرد: این کاهش به دلیل طرح های دقیق و مهندسی و تصفیه پساب صنعتی اتفاق افتاده و در مبارکه از یک قطره آب نیز نمی گذریم.

وی خاطرنشان کرد: صرفه جویی و استفاده از پساب شهری دو اقدام مهم مبارکه در حوزه آب بوده است. در بحث هوا نیز با اجرای غبارگیرهای متعدد از آلودگی هوا خودداری کردیم. همچنین اجرای ۳ هزار و ۶۰۰ متر مکعب فضای سبز از دیگر اقدامات در حوزه هوا بوده است.

مدیرعامل فولاد مبارکه ادامه داد: فولاد مبارکه به طور سالانه ۲۵ تا ۲۸ میلیون مترمکعب سالانه از آب زاینده رود استفاده می کند که نیمی از مقدار قرارداد ۴۰ میلیون مترمکعبی می باشد.

وی خاطرنشان کرد: این شرکت در سال حدود ۵۰ تا ۷۰ میلیارد تومان هزینه برای نگهداشت و تعمیر و نگهداری تجهیزات زیست محیطی به مصرف می رساند و هزینه جاری نگهداری فضای سبز کارخانه به صورت سالانه ۱۵ میلیارد تومان است.

عظیمیان گفت: از مقامات سیاسی درخواست داریم کمک کنند قراردادهای آبی که در سال های قبل عملیات اجرای آن آغاز شده را تکمیل کنیم تا آب پایدار فولاد مبارکه تامین گردد.

پارامترهای محیطی هر لحظه مانیتور می شوند

وی در بخش بعدی صحبت های خود خاطرنشان کرد: تمامی خروجی های دودکش ها و آب فولاد مبارکه با سیستم پایش آنلاین رصد می شود و تحت استاندارداست.

همچنین فولاد مبارکه استاندارد مدیریت ISO۱۴۰۰ را دارا است و جزو اولین ها در ایران می باشد که این استاندارد را دریافت کرده است.

مدیرعامل فولاد مبارکه تصریح کرد: اقدامات فولاد مبارکه با نهادهای بین المللی نیز هماهنگ است. پارامترهای زیست محیطی فولاد مبارکه هر لحظه مانیتور می شوند.

وی تاکید کرد: سرمایه گذاری ۶۰۰ میلیارد تومانی شرکت در زمینه حفظ محیط زیست کسب بالاترین جایزه مدیریت سبز اروپا و بنیاد جهانی انرژی از میان ۸۰۰۰ طرح برگزیده بین‌المللی در سال ۹۵ به واسطه طرح فراوری گرم سرباره، رقابت تنگاتنگ با سایر شرکتهای جهان تراز در سال ۹۷، دستیابی فولاد مبارکه در بخش مصرف ویژه آب خام به عدد ۲/۷ مترمکعب بر تن تولید فولاد و دستیابی واحد گندله‌سازی این شرکت به میزان مصرف انرژی ۰/۹۲ گیگاژول بر تن تولید با اجرای طرح‌ها و پروژه‌های متعدد (که فولاد مبارکه از بابت این دستاوردهای بزرگ به الگوی جهانی مبدل شده است) و همچنین افتخارآفرینی‌های این شرکت در سایت کنوانسیون تغییر آب‌وهوای سازمان ملل به آن معنی است که فولاد مبارکه به‌عنوان شهروندی مسئولیت‌پذیر همواره توسعه متوازن و پایدار و سلامت و صلابت محیط‌زیست را مدنظر داشته و دارد. مدیر عامل فولاد مبارکه خاطرنشان کرد: به عنوان صنعتی که برای حفظ محیط زیست همواره سرمایه‌گذاری کرده است از دولت محترم درخواست داریم که شرکت را در تکمیل طرح‌های آبی‌ای که طی سال‌های قبل شروع و بعضا ۶۰ تا ۷۰ درصد شان اجرا شده‌اند یاری کند.

تحریم‌ها مشکلاتی ایجاد کرد

وی در بخش دیگری از صحبت های خود مطرح کرد: تحریم ها مشکلاتی را برای صادرات فولاد ایجاد کرده و برروی صادرات ما اثرگذار بوده است. در تلاشیم با ارتباطات سنتی با مشتریان قدیمی و بازارهای جدید، صادرات را تداوم دهیم.

عظیمیان ادامه داد: برای خرید تجهیزات خارجی و مواد مصرفی نیز با مشکل مواجه شدیم و برنامه هایی برای تامین آنها اجرا کردیم تا مبارکه با موضوع توقف مواجه نشود. وی این نوید را به مشتریان فولاد مبارکه داد که امسال چند محصول جدید تولیدی خواهد شد و برخی از آنها ورق های API و لوازم خانگی و بدنه خودرو می باشند که در بازار عرضه می شوند.

مدیرعامل فولاد مبارکه تاکید کرد: کنسانتره سازی فولاد سنگان و فولادسازی سفید دشت را نیز در دستور کار داریم.

مهندس عظیمیان در پاسخ به سوال خبرنگار دیگری درباره شعار سال و رونق تولید گفت: چند هزار واحد صنعتی در کشور با محصولات مبارکه زنده هستند و باید تلاش کنیم تکنولوژی های فروش و تولید را پایدار نگه داریم تا رونق تولید در واحدهای زیردستی حفظ شود.

وی اظهار داشت: سر پا نگه داشتن تولید گام مهمی است در راستای تحقق شعار سال است.

اقدام دیگر، فعال کردن بخش پیمانکاری و سازندگان داخلی از طریق اجرای طرحهای توسعه ای است و برنامه داریم تا در راستای شعار سال آنها را راه اندازی واجرا کنیم.

عظیمیان تصریح کرد: از دولت درخواست می کنیم حمایت های تامین نقدینگی ارز و ریال را برای واحدهایی نظیر مبارکه داشته باشند تا بخشی از مشکل بیکاری در برخی استان ها که با توسعه فولاد هرمزگان و نورد مبارکه ایجاد می شود برطرف گردد. علاوه براین، انتظار داریم دولت در صدور مجوز و نقدینگی ما را حمایت و کمک کند.

مدیرعامل فولاد مبارکه تاکید کرد: امسال تولید را با راندمان گرفتن از کوره ها ۵ درصد افزایش می دهیم.

در دیدار مدیرعامل فولاد هرمزگان با نماینده ولی فقیه در استان هرمزگان مطرح شد:

فولاد هرمزگان همیشه در صحنه حاضر است

نوسان: مدیرعامل، معاونان و مدیران شرکت فولاد هرمزگان با آیت‌الله نعیم آبادی، نماینده ولی فقیه در استان هرمزگان و امام جمعه بندرعباس دیدار و گفتگو کردند.

به گزارش پایگاه خبری اقتصادبازار، این دیدار فرزاد ارزانی مدیرعامل شرکت فولاد هرمزگان با ارائه گزارشی از عملکرد این شرکت در سال ۹۷ تاکید کرد: با تمام توان و تلاش و بر نامه ریزی لازم قصد داریم به اهداف تعیین شده سال ۹۸ که ظرفیت اسمی کارخانه است، دست یابیم. وی با اشاره به شعار سال جدید و رونق تولید گفت: ما در سال ۹۸ تمام تلاش خود را برای تحقق این مهم بکار خواهیم گرفت.

آیت الله نعیم آبادی نماینده ولی فقیه در هرمزگان و امام جمعه بندرعباس نیز ضمن تقدیر و تشکر از عملکرد شرکت فولاد هرمزگان گفت: فولاد هرمزگان همیشه در صحنه بوده و هرکجا لازم باشد مشارکت بسیار خوبی داشته است.

در پایان این دیدار مدیرعامل فولادهرمزگان با اشاره به مسئولیت های اجتماعی این شرکت خاطرنشان کرد: ما سعی کرده ایم در حد توان در این مباحث مشارکت داشته باشیم و اخیرا نیز در پی جاری شدن سیل در برخی از استان های کشور، مبلغ ۱۰ میلیارد ریال بعنوان همیاری و کمک به هموطنان سیل زده به این امر اختصاص دادیم و با هماهنگی هلال احمر استان نسبت به تهیه اقلام موردنیاز اقدام کردیم.

گزارش

گام محکم فولاد مبارکه برای رونق تولید

نوسان: عبور از مرز تولید نیممیلیون تن محصول در نورد گرم فولاد مبارکه، ثبت رکورد ۱۱۶ هزار و ۵۴ تن محصول ضخامت پایین با کیفیت بسیار بالا در مجتمع فولاد سبا، تولید ۶۵ هزار و ۵۱ تن آهن اسفنجی در شرکت فولاد سفیددشت چهارمحال و بختیاری و ثبت رکوردهای پیدرپی روزانه در واحدهای احیا مستقیم و فولادسازی و نورد سرد شرکت باعث شد تا در سایهٔ الطاف الهی و تلاش کارکنان فولاد مبارکه فروردین ماه سالی که از سوی مقام معظم رهبری به نام «رونق تولید» مزین شد، نویدبخش سالی پرخیروبرکت برای صنعت فولاد کشور باشد.

عبور از نیممیلیون تن در نورد گرم

مهدی علیاکبریان، رئیس تولید خط نورد گرم فولاد مبارکه، از ثبت رکورد تولید در این واحد خبر داد و گفت: در فروردینماه سال جاری کارکنان بلندهمت واحد نورد گرم توانستند با تولید ۵۰۰ هزار و ۲۷۲ تن محصول و دستیابی به رکورد کیفی، افتخار دیگری برای شرکت فولاد مبارکه به‌ثبت برسانند.

وی رکورد قبلی این خط تولید را مربوط به شهریور ۹۷ و به میزان ۴۹۸ هزار و ۸۶۹ تن محصول گرم اعلام کرد و افزود: کسب موفقیت تولید بیش از نیممیلیون تن محصول در این واحد بهواقع گام بلندی در مسیر رسیدن به اهداف سالانهٔ نورد گرم و فولاد مبارکه است و بهطور قطع افزایش رضایتمندی مشتریان را نیز به همراه دارد. رئیس تولید خط نورد گرم افزود: رکورد بازده کیفی ناحیهٔ نورد گرم از ۹۹،۵۵ درصد در شهریور سال گذشته به ۹۹،۵۹ درصد در فروردینماه سال جاری افزایش یافت.

تولید بیش از ۱۱۶ هزار تن در فولاد سبا

در اولین ماه سال «رونق تولید» با تلاش و همت زحمتکشان مجتمع فولاد سبا، رکورد ۱۱۶ هزار و ۵۴ تن محصول با کیفیت بسیار بالا و ضخامت پایین به ثبت رسید.

این خبر را علیرضا صادقی رئیس خط نورد گرم مجتمع فولاد سبا اعلام کرد و گفت: بدون شک تلاش جمعی همهٔ واحدهای ناحیه ازجمله کارکنان واحدهای احیا مستقیم، فولادسازی، ریختهگری و بخشهای ستادی و پشتیبانی موجب ثبت این موفقیت شده و شایسته است صمیمانه از همهٔ این عزیزان قدردانی کنیم.

دستیابی به رکورد ماهانهٔ تولید در فولاد سفیددشت

تولید آهن اسفنجی در واحد احیا مستقیم شرکت فولاد سفیددشت چهارمحال و بختیاری در فروردینماه به ۶۵ هزار و ۵۱ تن رسید.

مدیرعامل شرکت فولاد سفیددشت چهارمحال و بختیاری ضمن تأیید این خبر گفت: در سالی که به نام «رونق تولید» نامگذاری شده است، کارکنان بلندهمت این شرکت در راستای دستیابی به اهداف شرکت، گامهای محکمی برداشتند. محمود اربابزاده گفت: رکورد قبلی تولید شرکت مربوط به آذرماه سال ۹۷ و به میزان ۶۴ هزار و ۷۳ تن بود.

رونوشت آگهی حصروراثت

امیرحسین سروری، دارای شناسنامه شماره ۳۵۵۶ به شرح دادخواست به کلاسه ۲۸۳/۹۸ ح ۱۰ از این شورا درخواست گواهی حصروراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان کمال سروری بشناسنامه ۱۵۳۲ درتاریخ ۹۷/۱۲/۸ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصراست به ۱ پسر و همسر به اسامی:
۱-امیرحسین سروری به ش ش ۳۵۵۶ نسبت بامتوفی فرزند.
۲-بتول عشاقی به ش ش ۴۸۱۴۳ نسبت بامتوفی همسر.
ولاغیر.
اینک باانجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یاوصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یک ماه به شوراتقدیم دارد والا گواهی صادرخواهدشد.
رییس شعبه ۱۰ شورای حل اختلاف.م الف/۴۴۳۹۶۶

رونوشت آگهی حصروراثت

حمیرا کیانی خراجی، دارای شناسنامه شماره ۳۰ به شرح دادخواست به کلاسه ۲۸۵/۹۸ ح ۱۰ از این شورا درخواست گواهی حصروراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان مهدی خدابخش دنبه بشناسنامه ۲۱۱۳۹ درتاریخ ۹۷/۸/۱۶ اقامتگاه دائمی خود بدرودزندگی گفته ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصراست به ۱ پسر و همسر به اسامی:
۱-بنیامین خدابخش دنبه به ش ش ۱۲۷۵۸۶۹۳۲۷ نسبت بامتوفی فرزند.
۲-حمیرا کیانی خراجی به ش ش ۳۰ نسبت بامتوفی همسر.
ولاغیر.
اینک باانجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یاوصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یک ماه به شوراتقدیم دارد والا گواهی صادرخواهدشد.
رییس شعبه ۱۰ شورای حل اختلاف.م الف/۴۴۴۰۷۳

رونوشت آگهی حصروراثت

لال محمد نوری فرزند شیر محمد تبعه افغانستان، دارای شماره شناسایی ۴۰۳۳۷۳۰۰۱۵۸ با وکالت عبداله لطفی وکیل دادگستری به شرح دادخواست به کلاسه ۵۹/۹۸ ح ۵۴ از این شورا درخواست گواهی حصروراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان زینب نوری تبعه افغانستان به شماره اختصاصی ۱۰۳۴۵۸۷۶ درتاریخ ۹۷/۱۱/۲۹ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصراست به پدر و مادر به اسامی:
۱- لال محمدنوری فرزند شیرمحمد به شماره شناسایی ۴۰۳۳۷۳۰۰۱۵۸ نسبت بامتوفی پدر.
۲- لیلانورزهی فرزندزمان دارای کداختصاصی ۱۵۳۴۵۷۳۷۰ نسبت بامتوفی مادر.
ولاغیر.اینک باانجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یک ماه به شوراتقدیم دارد والا گواهی صادرخواهدشد.
رییس شعبه ۵۴ شورای حل اختلاف.م الف/۴۳۴۹۲۴

رونوشت آگهی حصروراثت

جانعلی قلعه، دارای شناسنامه شماره ۱۷ به شرح دادخواست به کلاسه ۲۸۶/۹۸ ح ۱۰ از این شورا درخواست گواهی حصروراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان اسماعیل قلعه بشناسنامه ۱۲۷۲۱۸۱۸۸۱ درتاریخ ۹۷/۱۰/۱۹ اقامتگاه دائمی خود بدرودزندگی گفته ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصراست به مادر و پدر به اسامی:
۱- فاطمه محمدی به ش ش ۴ نسبت بامتوفی مادر.
۲-جانعلی قلعه به ش ش ۱۷ نسبت بامتوفی پدر.
ولاغیر.اینک باانجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یک ماه به شوراتقدیم دارد والا گواهی صادرخواهدشد.
رییس شعبه ۱۰ شورای حل اختلاف.م الف/۴۴۴۰۷۷

رونوشت آگهی حصروراثت

اصغر مکتوبیان، دارای شناسنامه شماره ۸۴۰ به شرح دادخواست به کلاسه ۳۰۳/۹۸ ح ۵۴ از این شورا درخواست گواهی حصروراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان عصمت عباسی بهارانچی بشناسنامه ۱۶ درتاریخ ۹۸/۱/۱۷ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصراست به ۳ پسر و ۳دختر به اسامی:
۱-اصغر مکتوبیان به ش ش ۸۴۰ نسبت با متوفی فرزند.۲- اکبر مکتوبیان بهارانچی به ش ش ۴۴۵۸۷ نسبت با متوفی فرزند.۳-حسین مکتوبیان بهارانچی به ش ش ۱۳۶۹ نسبت با متوفی فرزند.۴-فاطمه مکتوبیان بهارانچی به ش ش ۱۶ نسبت با متوفی فرزند.۶- مهناز مکتوبیان بهارانچی به ش ش ۱۱۷۴۸ نسبت با متوفی فرزند.۷-فرشته مکتوبیان بهارانچی به ش ش ۱۲۷۰۳۸۰۴۴۳ نسبت بامتوفی فرزند.
ولاغیر.
اینک باانجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یاوصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یک ماه به شوراتقدیم دارد والا گواهی صادرخواهدشد.
رییس شعبه ۵۴ شورای حل اختلاف.م الف/۴۴۳۲۲۰

رونوشت آگهی حصروراثت

اشرف معنوی، دارای شناسنامه شماره ۲۰ به شرح دادخواست به کلاسه ۳۰۱/۹۸ ح ۵۴ از این شورا درخواست گواهی حصروراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان علی معنوی بشناسنامه ۳ درتاریخ ۱۳۶۰/۳/۱۰ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصراست به ۱ برادر و ۳ خواهر به اسامی:
۱- حسین معنوی به ش ش ۴ نسبت بامتوفی برادر.
۲-اشرف معنوی به ش ش ۲۰ نسبت بامتوفی خواهر.
۳- عفت معنوی به ش ش ۱ نسبت بامتوفی خواهر.
۴-اقدس معنوی به ش ش ۱ نسبت بامتوفی خواهر.
ولاغیر.
اینک باانجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یک ماه به شوراتقدیم دارد والا گواهی صادرخواهدشد.
رییس شعبه ۵۴ شورای حل اختلاف.م الف/۴۴۲۵۹۷

رونوشت آگهی حصروراثت

کامران سفیری، دارای شناسنامه شماره ۱۲۷۱۷۹۵۱۷۵ به شرح دادخواست به کلاسه ۲۷۵/۹۸ ح ۱۰ از این شورا درخواست گواهی حصروراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان عزت خدایار بشناسنامه ۱۵۹۲ درتاریخ ۹۱/۱۰/۸ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصراست به ۱ پسر ، ۱ دختر ، همسرو مادر به اسامی:
۱- کامران سفیری به ش ش ۱۲۷۱۷۹۵۱۷۵ نسبت بامتوفی فرزند.
۲- عاطفه سفیری به ش ش ۱۸۱۷۵ نسبت بامتوفی فرزند.
۳-مرتضی سفیری به ش ش ۶۰۳ نسبت بامتوفی همسر.
۴-جمیله یزدانی به ش ش ۴۰۶ نسبت بامتوفی مادر.
ولاغیر.
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یک ماه به شوراتقدیم دارد والا گواهی صادرخواهدشد.
رییس شعبه ۱۰ شورای حل اختلاف.م الف/۴۴۳۲۱۶

رونوشت آگهی حصروراثت

حسین شهباز قلندر، دارای شناسنامه شماره ۲۸۵۲ به شرح دادخواست به کلاسه ۲۷۲/۹۸ ح ۱۰ از این شورا درخواست گواهی حصروراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان احمد شهباز قلندر بشناسنامه ۱۱۷۶ درتاریخ ۹۷/۱۱/۱۷ اقامتگاه دائمی خودبدرود زندگی گفته ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصراست به ۱ پسر ،۱ دختر و همسر به اسامی:
۱-حسین شهباز قلندر به ش ش ۲۸۵۲ نسبت بامتوفی فرزند.
۲- سمانه شهباز قلندر به ش ش ۱۰۵۶۳ نسبت بامتوفی فرزند.
۳-زهرا شمس به ش ش ۱۵۹ نسبت بامتوفی همسر.
ولاغیر.
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یک ماه به شوراتقدیم دارد والا گواهی صادرخواهدشد.
رییس شعبه ۱۰ شورای حل اختلاف.م الف/۴۴۲۵۹۹

رونوشت آگهی حصروراثت

اصغر مکتوبیان، دارای شناسنامه شماره ۸۴۰ به شرح دادخواست به کلاسه ۳۰۲/۹۸ ح ۵۴ از این شورا درخواست گواهی حصروراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان عباس مکتوبیان بهارانچی بشناسنامه ۵۹۰ درتاریخ ۱۳۷۵/۵/۱ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصراست به ۳ پسر و ۴دختر و همسر به اسامی:
۱-اصغر مکتوبیان به ش ش ۸۴۰ نسبت با متوفی فرزند.۲- اکبر مکتوبیان بهارانچی به ش ش ۴۴۵۸۷ نسبت با متوفی فرزند.۳-حسین مکتوبیان بهارانچی به ش ش ۱۳۶۹ نسبت با متوفی فرزند.۴- زهره مکتوبیان بهارانچی به ش ش ۴۴۵۸۸ نسبت با متوفی فرزند.۵- فاطمه مکتوبیان بهارانچی به ش ش ۱۶ نسبت با متوفی فرزند.۶- مهناز مکتوبیان بهارانچی به ش ش ۱۱۷۴۸ نسبت با متوفی فرزند. ۷-فرشته مکتوبیان بهارانچی به ش ش ۱۲۷۰۳۸۰۴۴۳ نسبت با متوفی فرزند.۸-عصمت عباسی بهارانچی به ش ش ۱۶ نسبت با متوفی همسر.
ولاغیر.اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یک ماه به شوراتقدیم دارد والا گواهی صادرخواهدشد.
رییس شعبه ۵۴ شورای حل اختلاف.م الف/۴۴۳۲۱۹

رونوشت آگهی حصروراثت

علیرضا قربان زاده شیشی ، دارای شناسنامه شماره ۱۸۴۲ به شرح دادخواست به کلاسه ۲۷۳/۹۸ ح ۱۰ از این شورا درخواست گواهی حصروراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان محمدعلی قربانزاده شیشی بشناسنامه ۱۳۶ درتاریخ ۹۸/۱/۲۶ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصراست به ۴ پسر ، ۱دختر و یک همسر به اسامی:
۱- علیرضا قربان زاده شیشی به ش ش ۱۸۴۲ نسبت بامتوفی فرزند.
۲-محمدحسن قربان زاده شیشی به ش ش ۸۵۳ نسبت بامتوفی فرزند.
۳-حسین قربان زاده شیشی به ش ش ۵۰۵۲۴ نسبت بامتوفی فرزند.
۴-محسن قربان زاده شیشی به ش ش ۱۰۲۴ نسبت بامتوفی فرزند.
۵-هاجر قربان زاده شیشی به ش ش ۶۲۰۱ نسبت بامتوفی فرزند.
۶-صغری منشئی به ش ش ۲۲۰ نسبت بامتوفی همسر ولاغیر.
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یک ماه به شوراتقدیم دارد والا گواهی صادرخواهدشد.
رییس شعبه ۱۰ شورای حل اختلاف.م الف/۴۴۲۶۹۳

رونوشت آگهی حصروراثت

محمد افضلی ، دارای شناسنامه شماره ۵۲۱۸ به شرح دادخواست به کلاسه ۲۷۹/۹۸ ح ۱۰ از این شورا درخواست گواهی حصروراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان مرتضی افضلی سینی بشناسنامه ۶۳ درتاریخ ۹۵/۹/۱۳ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصراست به ۲ پسر ، ۳دختر و یک همسر به اسامی:
۱- محمد افضلی به ش ش ۵۲۱۸ نسبت بامتوفی فرزند.
۲-رسول افضلی سینی به ش ش ۳۹۲ نسبت بامتوفی فرزند.
۳-زهرا افضلی سینی به ش ش ۴۸۸۷ نسبت بامتوفی فرزند.
۴-مریم افضلی سینی به ش ش ۴۱۳۸ نسبت بامتوفی فرزند.
۵-فاطمه افضلی سینی به ش ش ۵۱۰۰۰۸۸۴۹۴ نسبت بامتوفی فرزند.
۶-صدیقه افضلی سینی به ش ش ۱۷۵۸ نسبت بامتوفی همسر ولاغیر.
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یک ماه به شوراتقدیم دارد والا گواهی صادرخواهدشد.
رییس شعبه ۱۰ شورای حل اختلاف.م الف/۴۴۳۷۳۷

رونوشت آگهی حصروراثت

آنیسا علی پور کهرو ، دارای شناسنامه شماره ۱۲۷۰۷۵۶۰۰۱ به شرح دادخواست به کلاسه ۲۷۱/۹۸ ح ۱۰ از این شورا درخواست گواهی حصروراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان ماهروخ علی محمدی بشناسنامه ۲۵۴۰ درتاریخ ۹۷/۱۰/۱۵ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصراست به ۳ دختر و همسر به اسامی:
۱-آنیسا علی پور کهرو به ش ش ۱۲۷۰۷۵۶۰۰۱ نسبت بامتوفی فرزند.
۲-آنیتا علی پور کهرو به ش ش ۱۲۷۱۸۳۹۵۶۳ نسبت بامتوفی فرزند.
۳- آینوش علی پور کهرو به ش ش ۱۲۷۲۷۱۹۵۸۸ نسبت بامتوفی فرزند.
۴-عباسعلی علی پور کهرو به ش ش ۱۸۰ نسبت بامتوفی همسر .
ولاغیر.
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یک ماه به شوراتقدیم دارد والا گواهی صادرخواهدشد.
رییس شعبه ۱۰ شورای حل اختلاف.م الف/۴۴۲۶۲۱

رونوشت آگهی حصروراثت

احمدرضا شهبان پور سفیددشت، دارای شناسنامه شماره ۱۵۱ به شرح دادخواست به کلاسه ۲۶۱/۹۸ ح ۱۰ از این شورا درخواست گواهی حصروراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان توران فاتحی پیکان بشناسنامه ۴۵۱ درتاریخ ۹۵/۱۱/۱۵ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصراست به ۴ پسر و۱ دختر به اسامی:
۱-احمدرضا شهبان پور سفیددشت به ش ش ۱۵۱ نسبت بامتوفی فرزند.
۲-محمود شهبان پور به ش ش ۵۲ نسبت بامتوفی فرزند.
۳-اکبر شهبان پور به ش ش ۶۰۳۴۳ نسبت بامتوفی فرزند.
۴-رضا شهبان پور به ش ش ۹۲۰ نسبت بامتوفی فرزند.
۵-مهری شهبان پور سفیددشت به ش ش ۵۷۴۷۶ نسبت بامتوفی فرزند.
ولاغیر.اینک باانجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یک ماه به شوراتقدیم دارد والا گواهی صادرخواهدشد.
رییس شعبه ۱۰ شورای حل اختلاف.م الف/۴۴۳۳۷۹

رونوشت آگهی حصروراثت

سیده ایمانه سادات قلندری، دارای شناسنامه شماره ۵۶۶۱۵ به شرح دادخواست به کلاسه ۱۷۱/۹۸ ح ۵۴ از این شورا درخواست گواهی حصروراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان شهرام عباسی بشناسنامه ۸۰۹ درتاریخ ۹۷/۱۲/۱۵ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصراست به ۱ پسر ،۱ همسر و مادر به اسامی:
۱-امیررضا عباسی به ش ش ۱۲۷۲۶۸۵۲۳۳ نسبت بامتوفی فرزند.
۲- سیده ایمانه سادات قلندر به ش ش ۵۶۶۱۵ نسبت بامتوفی همسر.
۳-زهراعلی اکبری به ش ش ۱۷۲۰ نسبت بامتوفی مادر.
ولاغیر.
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یک ماه به شوراتقدیم دارد والا گواهی صادرخواهدشد.
رییس شعبه ۵۴ شورای حل اختلاف.م الف/۴۳۴۹۳۱

رونوشت آگهی حصروراثت

الهه لواف آباده، دارای شناسنامه شماره ۹۲۶ به شرح دادخواست به کلاسه ۲۸۹/۹۸ ح ۱۰ از این شورا درخواست گواهی حصروراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان عزت فرهنگ اصفهانی بشناسنامه ۲۶۷۸۴ درتاریخ ۷۷/۳/۲۲ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصراست به ۲ پسر و ۲ دختر به اسامی:
۱-الهه لواف آباده به ش ش ۹۲۶ نسبت بامتوفی فرزند.
۲- صدیقه لواف آباده به ش ش ۴۶۹۴۲ نسبت بامتوفی فرزند.
۳-محمدحسین لواف آباده به ش ش ۴۷۲ نسبت بامتوفی فرزند.
۴- محمدمهدی لواف آباده به ش ش ۲۸۵ نسبت بامتوفی فرزند.
ولاغیر.
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یک ماه به شوراتقدیم دارد والا گواهی صادرخواهدشد.
رییس شعبه ۱۰ شورای حل اختلاف.م الف/۴۴۴۱۳۲

رونوشت آگهی حصروراثت

رضا قربانی، دارای شناسنامه شماره ۲۸ به شرح دادخواست به کلاسه ۲۹۸/۹۸ح ۵۴ از این شورا درخواست گواهی حصروراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان شهربانو بلندنظر بشناسنامه ۲۵ درتاریخ ۹۷/۴/۲۵ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصراست به ۴ پسر و ۳دختر و همسر به اسامی:
۱- علیرضا قربانی به ش ش ۱۷۰۷ نسبت با متوفی فرزند.۲-محمودرضا قربانی به ش ش ۱۸۳ نسبت با متوفی فرزند.۳-حمیدرضا قربانی به ش ش ۱۷۲۵ نسبت با متوفی فرزند. ۴-یحیی قربانی به ش ش ۱۴۳ نسبت بامتوفی فرزند.۵- سهیلا قربانی به ش ش ۳۶۵ نسبت بامتوفی فرزند.۶-ثریا قربانی به ش ش ۱۹۰ نسبت با متوفی فرزند.۷- زهرا قربانی به ش ش ۸۱۷ نسبت بامتوفی فرزند.۸-رضا قربانی به ش ش ۲۸ نسبت بامتوفی همسر.
ولاغیر.
اینک باانجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یک ماه به شوراتقدیم دارد والا گواهی صادرخواهدشد.
رییس شعبه ۵۴ شورای حل اختلاف.م الف/۴۴۳۷۰۶

رونوشت آگهی حصروراثت

مهری زرکشیان ، دارای شناسنامه شماره ۹۱۶ به شرح دادخواست به کلاسه ۳۰۷/۹۸ ح ۵۴ از این شورا درخواست گواهی حصروراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان اصغر زرکشیان بشناسنامه ۲۴۲۳۸ درتاریخ ۹۷/۳۰/۳ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصراست به ۱ پسر ، ۴ دختر و یک همسر به اسامی:
۱-شکراله زرکشیان به ش ش ۴۰۰۰۹۶ نسبت بامتوفی فرزند.
۲- زهره زرکشیان به ش ش ۲۲۲ نسبت بامتوفی فرزند.
۳- مهری زرکشیان به ش ش ۹۱۶ نسبت بامتوفی فرزند.
۴-فریبا زرکشیان به ش ش ۵۲۸۶۹ نسبت بامتوفی فرزند.
۵- سهیلا زرکشیان به ش ش ۵۲۸۷۰ نسبت بامتوفی فرزند.
۶-حبیبه زمانی به ش ش ۱۰۰ نسبت بامتوفی همسر ولاغیر.
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یک ماه به شوراتقدیم دارد والا گواهی صادرخواهدشد.
رییس شعبه ۵۴ شورای حل اختلاف.م الف/۴۴۳۷۷۸

رونوشت آگهی حصروراثت

داود رحیم نیای ، دارای شناسنامه شماره ۶۹ به شرح دادخواست به کلاسه ۳۱۳/۹۸ ح ۵۴ از این شورا درخواست گواهی حصروراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان فاطمه مظاهری بشناسنامه ۳۰۶ درتاریخ ۹۸/ ۱/۲۳ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصراست به ۲ پسر و ۲ دختر به اسامی:
۱- داود رحیم نیای به ش ش ۶۹ نسبت بامتوفی فرزند.
۲-اصغر رحیم نیای به ش ش ۶۸۹ نسبت بامتوفی فرزند.
۳- عزت رحیم نیای نجف آبادی به ش ش ۴۸۵ نسبت بامتوفی فرزند.
۴-پروین رحیم نیای نجف آبادی به ش ش ۱۷۹۸۹ نسبت بامتوفی فرزند .
ولاغیر.
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یک ماه به شوراتقدیم دارد والا گواهی صادرخواهدشد.
رییس شعبه ۵۴ شورای حل اختلاف.م الف/۴۴۴۱۱۸

رونوشت آگهی حصروراثت

بتول مارانی ، دارای شناسنامه شماره ۲۰۰۳ به شرح دادخواست به کلاسه ۲۷۶/۹۸ ح ۱۰ از این شورا درخواست گواهی حصروراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان محمد مارانی بشناسنامه ۴۲۹ درتاریخ ۹۷/۹/۱۴ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصراست به ۲ پسر، ۳دختر و همسر به اسامی:
۱-عصمت مارانی یزدانی به ش ش ۱۶۸۱ نسبت با متوفی همسر.
۲- زهرا مارانی به ش ش ۲۸۵۳ نسبت با متوفی فرزند.
۳- بتول مارانی به ش ش ۲۰۰۳ نسبت با متوفی فرزند.
۴- فاطمه مارانی به ش ش ۷۱ نسبت با متوفی فرزند.
۵-امیرحسین مارانی به ش ش ۲۶۵۲ نسبت با متوفی فرزند.
۶-اصغر مارانی به ش ش ۱۸۷۶ نسبت با متوفی فرزند.
ولاغیر.اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد والا گواهی صادرخواهد شد.
رییس شعبه ۱۰ شورای حل اختلاف.م الف/۴۴۳۶۹۰

رونوشت آگهی حصروراثت

وجیهه صالحی سیچانی، دارای شناسنامه شماره ۱۹۳۷ به شرح دادخواست به کلاسه ۱۸۷/۹۸ ح ۵۴ از این شورا درخواست گواهی حصروراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان اقدس صالحی سیچانی بشناسنامه ۳۳۹ درتاریخ ۹۸/۱/۹ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصراست به ۲ پسر و۱ دختر به اسامی:
۱-محمدحسین صالحی سیچانی به ش ش ۱۸۳۱۷ نسبت بامتوفی فرزند.
۲- حسن صالحی سیچانی به ش ش ۱۹۳۹۹ نسبت بامتوفی فرزند.
۳- وجیهه صالحی سیچانی به ش ش ۱۹۳۷ نسبت بامتوفی فرزند.
ولاغیر.
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یک ماه به شوراتقدیم دارد والا گواهی صادرخواهدشد.
رییس شعبه ۵۴ شورای حل اختلاف.م الف/۴۳۴۹۰۷

رونوشت آگهی حصروراثت

مجتبی قاسم زاده باروزر، دارای شناسنامه شماره ۵۷۰۱۹ به شرح دادخواست به کلاسه ۱۸۲/۹۸ ح ۱۰ از این شورا درخواست گواهی حصروراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان یداله قاسم زاده باروزر بشناسنامه ۴۳۳۹ درتاریخ ۶۴/۶/۲۷ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصراست به ۵ پسر ،۴دختر و همسر به اسامی:
۱- جعفر قاسم زاده باروزر به ش ش ۲۸۶ نسبت با متوفی فرزند.۲-محمدعلی قاسم زاده باروزر به ش ش ۳۳۸ نسبت با متوفی فرزند.۳- مجتبی قاسم زاده باروزر به ش ش ۵۷۰۱۹ نسبت با متوفی فرزند.۴- سعید قاسم زاده باروزر به ش ش ۷۲۰۳۳ نسبت با متوفی فرزند. ۵- عباسعلی شاهین دژ به ش ش ۱۳۵۷ نسبت با متوفی فرزند.۶- طاهره قاسم زاده باروزر به ش ش ۹۰۱ نسبت با متوفی فرزند. ۷- فاطمه قاسم زاده باروزر به ش ش ۱۶۸۲ نسبت با متوفی فرزند. ۸- مریم قاسم زاده باروزر به ش ش ۶۸۹۰۳ نسبت با متوفی فرزند ۹-مرضیه قاسم زاده باروزر به ش ش ۶۸۹۰۴ نسبت با متوفی فرزند ۱۰-زینت کارخانه داران به ش ش ۶۰۶ نسبت با متوفی همسر ولاغیر.
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.
رییس شعبه ۱۰ شورای حل اختلاف.م الف/۴۴۳۹۷۲

رونوشت آگهی حصروراثت

مجتبی قاسم زاده باروزر، دارای شناسنامه شماره ۵۷۰۱۹ به شرح دادخواست به کلاسه ۲۵۸/۹۸ ح ۱۰ از این شورا درخواست گواهی حصروراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان زینت کارخانه داران بشناسنامه ۶۰۶ درتاریخ ۸۶/۳/۳۰ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصراست به ۵ پسر و ۴دختر به اسامی:
۱- جعفر قاسم زاده باروزر به ش ش ۲۸۶ نسبت با متوفی فرزند.۲-محمدعلی قاسم زاده باروزر به ش ش ۳۳۸ نسبت با متوفی فرزند.۳- مجتبی قاسم زاده باروزر به ش ش ۵۷۰۱۹ نسبت با متوفی فرزند.۴- سعید قاسم زاده باروزر به ش ش ۷۲۰۳۳ نسبت با متوفی فرزند. ۵- عباسعلی شاهین دژ به ش ش ۱۳۵۷ نسبت با متوفی فرزند.۶- طاهره قاسم زاده باروزر به ش ش ۹۰۱ نسبت با متوفی فرزند. ۷- فاطمه قاسم زاده باروزر به ش ش ۱۶۸۲ نسبت با متوفی فرزند. ۸- مریم قاسم زاده باروزر به ش ش ۶۸۹۰۳ نسبت با متوفی فرزند ۹-مرضیه قاسم زاده باروزر به ش ش ۶۸۹۰۴ نسبت با متوفی فرزند.
ولاغیر.
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.
رییس شعبه ۱۰ شورای حل اختلاف.م الف/۴۴۳۹۷۵

رونوشت آگهی حصروراثت

مجتبی قاسمی ، دارای شناسنامه شماره ۴۴۵۶ به شرح دادخواست به کلاسه ۳۰۸/۹۸ ح ۵۴ از این شورا درخواست گواهی حصروراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان احمدرضا قاسمی بشناسنامه ۸ درتاریخ ۹۷/ ۴/۳ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصراست به ۲ پسر و ۲ دختر به اسامی:
۱- علیرضا قاسمی به ش ش ۱۸۰۴ نسبت بامتوفی فرزند.
۲-مجتبی قاسمی به ش ش ۴۴۵۶ نسبت بامتوفی فرزند.
۳- سمیه قاسمی دلیگانی به ش ش ۳۱۳۰ نسبت بامتوفی فرزند.
۴-مینا قاسمی دلیگانی به ش ش ۱۲۷۱۷۲۳۸۹ نسبت بامتوفی فرزند .
ولاغیر.
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یک ماه به شوراتقدیم دارد والا گواهی صادرخواهدشد.
رییس شعبه ۵۴ شورای حل اختلاف.م الف/۴۳۳۸۳۶

رونوشت آگهی حصروراثت

زهرا جعمانی خوراسگانی، دارای شناسنامه شماره ۸۹ به شرح دادخواست به کلاسه ۲۸۱/۹۸ ح ۱۰ از این شورا درخواست گواهی حصروراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان رسول باقریان خوراسگانی بشناسنامه ۱۵۵ درتاریخ ۹۷/۱۲/۱۱ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصراست به ۱ پسر ، ۲ دختر ،۱ همسر و مادر به اسامی:
۱-مهدی باقریان خوراسگانی به ش ش ۱۲۷۹۶۳۲۴۴ نسبت با متوفی فرزند.
۲- اعظم باقریان خوراسگانی به ش ش ۳۳۸۳ نسبت با متوفی فرزند.
۳-الهام باقریان خوراسگانی به ش ش ۱۲۷۱۳۴۹۵۷۴ نسبت با متوفی فرزند.
۴-زهرا جعمانی خوراسگانی به ش ش ۸۹ نسبت با متوفی همسر.
۵-رقیه امینی به ش ش ۶۴۳۵ نسبت با متوفی مادر.
ولاغیر.
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.
رییس شعبه ۱۰ شورای حل اختلاف. م الف/۴۴۳۷۸۱

رونوشت آگهی حصروراثت

بتول مارانی ، دارای شناسنامه شماره ۲۰۰۳ به شرح دادخواست به کلاسه ۳۰۵/۹۸ ح ۵۴ از این شورا درخواست گواهی حصروراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان مصطفی مارانی بشناسنامه ۱۲۳۳ درتاریخ ۹۷/۳/۶ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصراست به ۳ پسر، ۱ دختر ، ۱ همسر و مادر به اسامی:
۱-احمد مارانی به ش ش ۱۰۳۰ نسبت با متوفی فرزند.
۲- سعید مارانی به ش ش ۳۹۰۳ نسبت با متوفی فرزند.
۳- علیرضا مارانی به ش ش ۱۲۷۰۴۸۵۸۰۶ نسبت با متوفی فرزند.
۴-سعیده مارانی به ش ش ۶۹ نسبت با متوفی فرزند.
۵-بتول مارانی فرزند محمد به ش ش ۲۰۰۳ نسبت با متوفی همسر.
۶-بتول مارانی به ش ش ۱۵۹۲ نسبت با متوفی مادر.
ولاغیر.اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.
رییس شعبه ۵۴ شورای حل اختلاف.م الف/۴۴۳۶۹۱

WEEKLYNAVASAN
هفته نامه
نوسان
سال پنجم
شماره هفتاد و هشت
۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۸
۲۴ شعبان ۱۴۴۰
30 APRIL 2019
NO 78
گوناگون VARIOUS
WWW.EGHTESADBAZAR.IR

■صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مجید محققیان
زیر نظر شورای سردبیری
■صفحه آرایی: نوسان
■چاپ: آینده

■آدرس: اصفهان، خیابان دانشگاه کوچه شماره ۵ ساختمان مرکز آموزش بازرگانی
■صندوق پستی: ۸۱۵۸۹۸۱۸۶۵
■تلفن: ۳۲۶۱۷۸۵۹-۰۳۱
■توزیع: آرمان پخش

پیامبر اکرم (ص)

هرکس آبروی مؤمنی را حفظ کند، بدون تردید بهشت بر او واجب شود.

شماره هفتاد و هشت

ویژه SPECIAL

۲,۸ میلیارد لیتر بنزین دود شد

01

مجموع مصرف بنزین در فروردین ماه امسال ۲میلیارد و ۸۲۷میلیون لیتر بود که از رشد ۴.۷درصدی مصرف حکایت دارد .به نقل از وزارت نفت، در فاصله روزهای یکم تا ۳۱ فروردین ماه امسال ۲میلیارد و ۸۲۷میلیون لیتر بنزین در کشور مصرف شده است. این مقدار مصرف در مقایسه با مدت مشابه پارسال، ۴.۷درصد افزایش یافته است.شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی میانگین روزانه مصرف بنزین کشور در فروردین ماه‌سال ۹۸ را ۹۱.۲میلیون لیتر اعلام کرده است که این میزان در مدت مشابه‌سال گذشته ۸۷.۱میلیون لیتر بوده است.

افت رتبه جهانی خودروسازان ایرانی

02

سازمان بین‌المللی سازندگان وسایل نقلیه موتوری اعلام کرد که تولید خودرو ایران در سال میلادی گذشته با افت ۴۰درصدی به حدود یک‌میلیون دستگاه رسید و ایران هجدهمین خودروساز جهان در این سال شد. این موضوع درحالی رخ می‌دهد که رتبه ایران از نظر تولید خودروهای سواری در سال ۲۰۱۸ نیز ۱۶ و از نظر تولید خودروهای تجاری ۲۱ اعلام شده است. چین، آمریکا و ژاپن به ترتیب رتبه‌های اول تا سوم خودروسازی جهان را در اختیار دارند.

توسعه

به بهانه خبر درز اطلاعات یک شرکت حمل و نقل؛

حالا کجا را خراب کنیم؟

امیر ناظمی

در روز ۵شنبه خبر درز و افشای اطلاعات مربوط به یک شرکت حمل‌ونقل اینترنتی ابعادی فراتر از جامعه‌ی فناوری اطلاعات یافت. ورود این خبر به شبکه‌های خبری ماهواره‌ای عموم مردم را نیز در جریان آن خبر قرار داد. هرچند درز اطلاعات در کسب‌وکارهای بزرگ باید به صفر برسد ولی در دنیا غیرمتداول نیست. شرکت‌های بزرگ جهانی نیز بارها درگیر این نوع از رخدادها بوده‌اند.

میل به تخریب

«جامعه‌ی کلنگی» یکی از استعاره‌هایی است که کاتوزیان از تمثیل ساختمان برای توصیف جامعه‌ی ایران به کار برده است. ساختمان‌های ایرانی نوسازی و بازسازی نمی‌شوند؛ بلکه به اتهام کلنگی بودن ویران می‌شوند تا خانه‌ای نو بر آنها بناشود.

عمر کوتاه ساختمان‌ها در ایران باعث شده او از این تمثیل استفاده کند و ایران را «جامعه‌ی کلنگی» بنامد؛ یعنی جامعه‌ای که بسیاری از جنبه‌های آن همواره در این خطر است که هوی و هوس کوتاه‌مدت جامعه با کلنگ به جانش بیافتد. میل به «طرحی نو درافکندن» گاه چنان حالتی افراطی به خود می‌گیرد که جامعه‌ای پیش و بیش از آن که به فکر آن طرح نو باشد، شوق تخریب وضعیت فعلی را در سر می‌پروراند.

احسان نراقی در کتاب «پی‌نکته‌هایی بر جامعه‌شناسی خودمانی» همین ویژگی را با مفهومی دیگر نام می‌برد: «شوق ویرانگری». او می‌گوید: «این یک واقعیت است که تخریب برای خودش یک شوق، یک جاذبه و یک شیفتگی مخصوص ایجاد می‌کند که فقط با خویشتن‌داری و تامل در عواقب آن می‌شود از خیرش گذشت [...] می‌بینیم، مدیریت تازه به دوران رسیده و جدید [..... دوست دارد] خودش همه‌ی کارها را از نو آغاز کند که ضمن لذت بردن از تخریب و منهدم کردن فردیا گروه قبلی، به خیال خود طرحی نو درافکند»!

تشدید بحران با کلنگ

این شیفتگی تخریب وضعیت فعلی به نظر می‌رسد در دنیای شبکه‌های اجتماعی امکان بازخورد و شنیده‌شدن بیشتر نیز یافته است. در شبکه‌های اجتماعی هر ضعف کوچکی به نسخه‌ی «تخریب وضع فعلی» می‌رسد. به این ترتیب است که هر موضوعی می‌تواند بهانه‌ای شود برای کلنگ به دست گرفتن و از بنیان ویران کردن. همچنین نیاز به تقویت زیرساخت‌ها برای حفاظت از داده‌های مشتریان غیرقابل چشم‌پوشی است. اما واکنش‌های مربوط به این مساله اغلب بهانه‌هایی برای انتقام‌جویی یا اعمال محدودیت برای این کسب‌وکارها می‌شود. در این میانه بازیگران مختلف تلاش داشتند تا با نیت‌های مختلف اقتصادی-اجتماعی و سیاسی از این رویداد بهره لازم را ببرند. صرف نظر از رفتارها و اهداف مختلفی که پس پشت این رفتارهاست، اما در یک نقطه مشترک بود: تخریب شرکت مورد نظر! و فراتر از آن تخریب کسب‌وکارهای پلتفرمی!

بازسازی با یادگیری

در این رخداد که به نظر می‌رسد تا کنون پیامدهای نامناسبی در بر نداشته است و خوشبختانه اطلاعات مشتریان را شامل نمی‌شده است، تنها محدود به اطلاعات بخشی از رانندگان بوده است؛ مربوط به ۲ سال پیش. اگرچه همین سطح از درز اطلاعات نیز مناسب نیست، اما به نظر می‌رسد باید بهانه‌ای شود برای یادگیری ما؛ اینکه یاد بگیریم چگونه خود را تقویت کنیم و چگونه با بحران‌ها مواجه شویم.

همه‌ی رخدادها برای یک جامعه‌ی یادگیرنده ظرفیتی برای یادگیری است، نه بهانه‌ای برای کلنگ برداشتن! با تخریب یک شرکت هیچ اتفاق تازه‌ای نخواهد افتاد مگر این که از رفاه عمومی کاسته شود.

اما دیگر جنبه‌ی جامعه‌ی کلنگی به زعم کاتوزیان در خصوص انباشت سرمایه است. در جامعه‌ی کلنگی هیچگاه انباشت سرمایه اتفاق نمی‌افتد. سرمایه‌ها به محض آن که به مرز انباشته‌شدن می‌رسند، دستان مجهز به کلنگ آن‌ها را از انباشت بازمی‌دارد.

برنده‌های بزرگ یک جامعه سرمایه‌های جمعی آن جامعه است اگر با هیجان و کلنگ به جان آن‌ها بیافتیم، نتیجه از بین رفتن امکان انباشت سرمایه و شکل‌گیری شرکت‌های بزرگی است که از بحران‌ها جان سالم به در برده‌اند. بحران‌هایی با پیامدهای اندک شاید همان واکسیناسیون در برابر رخدادهای بزرگ است. واکسینه شدن در برابر مشکلات البته از طریق یادگیری از گذشته روی خواهد داد. هر چند باید حساسیت‌های خود را نیز فراموش نکنیم و به بهبودها فکر کنیم. برای توسعه چاره‌ای نداریم جز خداحافظی با جامعه کلنگی! توسعه جز از طریق بازسازی‌های مدام برای ما تحقق نخواهد یافت!.

رونوشت آگهی حصر وراثت

شهین زینی اصفهانی دارای شناسنامه شماره ۶۰۹۸۷ به شرح دادخواست به کلاسه ۲۷۸/۹۸ ح ۱۰ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان حسین احمدیان فر بشناسنامه ۶۰ در تاریخ ۹۸/۱/۱۶ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به ۱ دختر و ۱ همسر به اسامی:
۱-کیمیا احمدیان فر به ش ش ۱۲۷۳۲۱۸۶۸۱ نسبت با متوفی فرزند.
۲-شهین زینی اصفهانی به ش ش ۶۰۹۸۷ نسبت با متوفی همسر.
ولاغیر. اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک مرتبه آگهی می نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.

رییس شعبه ۱۰ شورای حل اختلاف. م الف/۴۴۳۶۹۹

کشکول

تفاوت مدیران فاسد

فرید صلواتی

چند سال پیش متنی را به نقل از دکتر محمدمصدق خواندم که از ایشان فرق بین یک مدیر فاسد ایرانی و یک مدیر فاسد غربی را پرسیده بودند.
ایشان جواب بسیار هوشمندانه ای را بیان فرمودند که "مانند توالت ایرانی و فرنگی است"! چنانچه بخواهی توالت فرنگی را عوض کنی باید فقط چهار پیچ آن را باز کنی؛ ولی اگر بخواهی توالت ایرانی را تغییر دهی باید کل توالت را بشکنی و کاشی و سرامیک های دور و ور آنرا هم بشکنی و سیمان آن را هم خرد کنی و بوی گندی را تحمل کنی ، تا بتوانی آنرا تغییر دهی."داش فرید اطمینان ندارد این جمله که منسوب به دکتر مصدق است واقعا از ایشان می باشد یا نه؛ ولی از هر که باشد بسیار دقیق و ریشه‌ای گفته شده است.
سالها پیش وقتی این جمله را خواندم و تنها برایم جالب آمد .ولی در این چند وقت اخیر که مشکلات روی مشکلات کشورمان را فرا گرفته این جمله را با پوست و خونش درک می کنم. احساسش می کنم.
در این زمانه دقیق می دانیم از کجا ضربه می خوریم ولی گویا متولیان امر نمی خواهند فکری به حال این معضلات مدیریتی کنند. همچنان به راه و روش اشتباه گذشته ادامه می دهند .بر کناری مدیران نالایق و ناوارد در جامعه، در سراشیبی رودربایستی ها و خدای نکرده به طرف بر بخورد و یا فلانی سفارش فلان و بهمان شخص است گیر افتاده.
تارفتارهای غلط بین مدیران ما و مدیران غربی وجود دارد همین آش است و همین کاسه!
غرب: مدیران بعضی وقتها استعفا می دهند.
ایران: عشق به خدمت مانع از استعفا می شود.
غرب: افراد از مشاغل پایین شروع می کنند و به تدریج ممکن است مدیر شوند.
ایران: افراد مادرزادی مدیر هستند و اولین شغلشان در بیست سالگی مدیریت بزرگترین های کشور است.
غرب: برای یک پست مدیریت، دنبال مدیر می گردند.
ایران: برای یک فرد، دنبال پست مدیریت میگردند و در صورت لزوم این پست ساخته می شود.
غرب: یک کارمند ساده ممکن است سه سال بعد مدیر شود.
ایران: یک کارمند ساده، سه سال بعد همان کارمند ساده است، در حالیکه مدیرش سه بار عوض شده.
غرب: اگر بخواهند از دانش و تجربه کسی حداکثر استفاده را بکنند، او را مشاور مدیریت می کنند.
ایران: اگر بخواهند از کسی هیچ استفاده ای نکنند، او را مشاور مدیریت می کنند.
غرب: اگر کسی از کار بر کنار شود، عذرخواهی میکند و حتی ممکن است محاکمه شود.
ایران: اگر کسی از کار بر کنار شود، طی مراسم باشکوهی از او تقدیر میشود و پست مدیریت جدید می گیرد.
نمی دانم چرا ناگهان یاد "افسانه شهرازو" که بسیاری فیلم و کارتونش را دیده ایم افتادم .دیالوگ بسیار زیبایی بین دخترک و مترسک رد و بدل می شود.
مترسک: من مغز ندارم، تو سرم پر از پوشاله
دخترک: اگه مغز نداری پس چه جوری حرف میزنی؟
مترسک: نمیدونم. ولی خیلی از آدم ها هم هستن که بدون مغز یه عالمه حرف می زنن!

نگاره

مریم شوقی

نوسان بهای مسکن

سیاست

باز تعریف قدرت

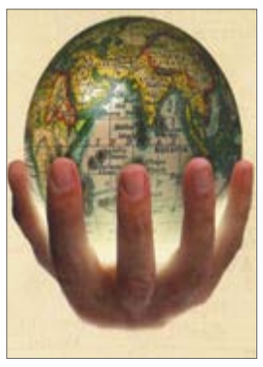

علی فتاحی

بخوانیم و بدانیم که در دنیای امروز معنا و مولفه‌ی واقعی قدرت چیست؟
در ایام باستان سیاست در قدرت شمشیر زدن متجلی بود. تعداد مردان جنگی سخن آخر میدان سیاست بود. گویا اقتصاد خودکفا سیاست را در تغذیه خوب مردان جنگی می دید و بازوان مردان جنگ همان تولید نیرو بود که شمشیر ها را به چرخش می آورد در این اینهمانی بازو دو کارکرد داشت از یکسو اقتصاد را بحرکت می آورد و از سوی دیگر حرف آخر را در میدان سیاست می زد اما رفته رفته جهان تغیر کرد و بازو از اقتصاد حذف شد و اندیشه با بازو گره خورد و جهانی تازه خلق شد به گونه ای که روز به روز از نقش بازو کاسته شد و جایگاه فکر برجسته گردید و عملا بازو به باشگاههای ورزشی تبعید شد.
به همین سبب سیاست چهره عوض کرد و بجای اتکا به بازوان مردان به تولید و تجارت تکیه کرد به این ترتیب که هر کس و هر ملتی که بیشتر تولید کند و گستره تر تجارت نماید قدرت سیاسی افزونتر خواهد داشت.
ولی با این وجود بسیاری از ملل هنوز قدرت را در بازوان نظامی جستجو می کنند و دون کیشوت های قدرت را به نمایش می گذارند. آنها نمی دانند در جهان امروز قدرت از درون کارخانجات و تجارت خانه ها سر بر می آورد. آنها هنوز به پادگانها و تعداد مردان جنگی دلبسته هستند و البته غافل از این هستند که جهان به کلی زیر و زبر شده و قدرت در پادگانها و مراکز نظامی و حتی میدان های بسیج مردم برای جنگ و مبارزه رقم نمی خورد و لوله تفنگ سرنوشت سیاست و قدرت را تعیین نمی کند. بلکه در جهان امروز، مبارزه به کلی چهره عوض کرده و بقای ملت ها به کیفیت و میزان تولید و تجارت آنها وابسته است.
در دنیای امروز هر کارخانه و تجارت خانه منبع توزیع قدرت است و به همین خاطر پادگانها و مراکز نظامی بیشتر شبیه خانه اموات شده اند و کارخانجات و مراکز تولیدی و تجاری به میعادگاه زندگان بدل گشته و زندگی در مراکز تولید و تجارت در جریان است.
در آخر اینکه قدرت تولیدی و تجاری سرنوشت قدرت نظامی و سیاسی را معین می کند و ملت هایی که در این باره در خواب غفلت به سر می برند بازندگان اصلی در جهان معاصر هستند
در نتیجه این دگردیسی قدرت تخریب به قدرت سازندگی تبدیل شده و هر ملتی که مرفه تر و بهتر و شادتر و آزادتر زندگی میکند جهان را مسحور قدرت خود کرده است.

جامعه

چرا "گفت و گو" نمی کنیم؟

مهران صولتی

جامعه ایران ، یک جامعه بدون گفت و گو است. سیطره "مونولوگ " بر " دیالوگ "، اشتیاق به" پرگویی" و " کم شنوی "، میل مفرط به تحکم و سلطه ورزی، نبود سازوکارهای روشن و شناخته شده برای گسترش گفت و گو های معنادار و جمعی، حاکمیت اسطوره قاطعیت، و طرد فرآیند های دستیابی به سازش های ماندگار در فرهنگ سیاسی، از نشانه های مهجور ماندن " گفت و گو " در ایران است. اما از طرف دیگر شکل گیری " گفت و گو " یک ضرورت انکار ناپذیر برای ایران امروز به شمار می رود. حجم برخی از بحران ها به درجه ای رسیده است که جز با شکل گیری یک گفتگوی واقعی قابل حل و فصل نیست؛ رشد فزاینده آسیب های اجتماعی، سقوط سرمایه اجتماعی، افول اعتماد عمومی، بحران آب و محیط زیست، کاهش مشارکت اقتصادی، در کنار رشد فزاینده نیروی کار جوان ناامید از اشتغال، افزایش چشمگیر پرونده های قضایی و بحران حکمرانی خوب و پاسخگو، کار را به جایی رسانده که خطر یک اضمحلال اجتماعی هر روز بیشتر می شود. با این وجود چنان رفتار می کنیم که گویی اوضاع کاملا آرام است و هیچ خطری از درون، کشور را تهدید نمی کند. و پرسش اصلی اینکه؛ حال چرا برای حل مشکلات موجود "گفت و گو" نمی کنیم؟
"گفت و گو" پیش از هرچیز یک محصول فرهنگی است، مبتنی بر سنتی که در آن مدارا، صبوری، حق طلبی، خردورزی و اعتماد و احترام به یکدیگر، به اندازه کافی نهادینه و ماندگار شده باشد. همچنین" گفت و گو " محصول یک فرهنگ سیاسی است که در آن توطئه اندیشی، سازش ناپذیری، یکسان اندیشی، خودمحوری و هویت اندیشی در آن سهم غالب را نداشته باشد. به نظر می رسد سنت فرهنگی و فرهنگ سیاسی غالب در ایران هنوز هم به اندازه کافی، دارای عناصر برانگیزاننده و تقویت کننده " گفت و گو " نمی باشد! فارغ از نفس واصل "گفت و گو" که می تواند لذت بخش و ارزشمند تلقی شود، این امر باید موجب انباشت تجربیات انسانی، پیوسته و گامی به جلو تلقی شود. انباشتی که می تواند به ارائه راهبردهایی جهت توسعه پایدار کشور بینجامد. متاسفانه بسیاری از نمونه های بارز این پدیده در کشور بی حاصل، و بیشتر شکل مناظره، یا جنگ حنجره با حنجره یافته اند که تنها مقصود آن سرکوب یا ساکت کردن رقیب می باشد. چنین "گفت و گو" هایی هرگز نتوانستند به الگوهایی موفق در غرب همچون موارد گفت و گوی تاریخی پوپر، هابرماس، گادامر و لومان نزدیک شوند!
"گفت و گو" ابزاری برای رسیدن به تفاهم و دستیابی به حقیقت است. راهی برای به اشتراک گذاردن تجربیات بشری، و البته همراهی و همدلی با یکدیگر در جاده نیل به کامیابی و سعادت! در فرهنگ ما هنوز هم رگه هایی پررنگ از باطل یا مهجور دانستن دیگران، نشانه هایی از میل مفرط به ارشاد یا هدایت دیگران، و انگیزه هایی برای اتهام زدن و حذف دیگران به چشم می خورد. در فرهنگ سیاسی ما هنوز هم سازش کم و بیش معنای خیانت دارد! و احترام به حقوق دیگران، دستاوردی متعلق به فرهنگ خبیث غرب شمرده می شود! پر واضح است که با چنین زمینه ای نیل به فرهنگ "گفت و گو" امری بطئی و دراز مدت می باشد!
نکته پایانی: با وجود همه علائم مذکور، باید به سمت بسط "گفت و گو" پیش رفت. گفت و گو امروز نه یک انتخاب، بلکه یک ضرورت است. شاید از مسیر تربیت نسلی که از کودکی؛ در خانه و مدرسه، اهمیت زایدالوصف آن را آموخته باشد...

رسانه

حیات مطبوعات در خطر است

عادل پورشمسی

در عصر ارتباطات چه بخواهیم و چه نخواهیم مطبوعات نوشتاری در حال کوچ کردن و قرار گرفتن در آرشیو تاریخ خواهند بود؛ اما می توان با درایت و تخصص که متاسفانه این نکته در سالهای اخیر با مدیریت دادن غلط به برخی مسئولان که جسارت نباشد حرمت قلم و نوشتن را نمی دانند داده شد و همچنین در کنار آن مدیریت های بی تخصص در راس تصمیم گیری قرار گرفته اند چه انتظاری دارید که مطبوعات در مسیر واقعی به رسالت خود بپردازند.
در این شرایط بحرانی فضای مطبوعاتی و نیازها و مواد اولیه و مشکلات دیگر که کار را بر رسانه‌ها بسیار دشوار کرده هم باز برخی مسئولین ارشد هیچ اشاره‌ای به مسئولیت حل این مشکلات نداشته و ندارند و طبق معمول فقط حکم و دستور به مطبوعات صادر می کنند که: «نقش رسانه‌ها بسیار حیاتی است و باید...».
در نگاهی دیگر مدیران روابط عمومی و سفارش دهندگان آگهی در این شرایط مطبوعات را درک نمی کنند.
مطبوعات را برای گذر از این شرایط ناخواسته، یاری نمی کنند. مطالبات را زود پرداخت نمی کنند. پرداخت وجوه آگهی بر اساس تعرفه نه کمک است و نه صدقه و نه اعانه؛ بلکه وظیفه قانونی و اداریست. روابط عمومی ادارات نباید دریافت نشریه را مجانی بخواهند. این کار زرنگی نیست؛ جفا به حوزه فرهنگی است. وجه نشریات را با فراغ البال پرداخت کنید.